



فهرست مطالب

۲	یادداشتی پیرامون اعتراف «جو بایدن» به شکست آمریکا در افغانستان.....
۳	نگاهی مختصر به کارنامه حسن روحانی و اهداف دولت جدید.....
۴	یادداشت روز.....
۵	سخنی در مورد بحران کرونا و سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی.....
۶	چند یادداشت کوتاه سیاسی.....
۹	«عدم اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد جنایت است».....
۱۰	محاکمه و مجازات سران جنایتکار رژیم در کدام دادگاه؟.....
۱۱	دست مزدوران امپریالیسم از شهدای حزب ما کوتاه!.....
۱۲	گزارشی از وضعیت اسفناک کارگران در مجتمع کشت و صنعت پید مشک.....
۱۳	در جبهه نبرد طبقاتی.....
۲۱	یادداشت هفته.....
۲۲	نتایج حملات تجاوزکارانه آمریکا و ناتو پس از حمله تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱.....
۲۳	از فاجعه افغانستان هیچ درسی نیاموختند.....
۲۴	«مایکل مور»، فیلمساز معروف آمریکا در مورد شکست قوای متجاوز آمریکا در افغانستان.....
۲۴	به مناسبت شصت و هشتمین سالگرد کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران.....
۲۵	بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه در باره شکست سیاست امپریالیست‌ها در افغانستان.....
۲۶	سخنی درباره شعار مرگ بردیکتاتور.....
۲۷	۷۶ سال از فاجعه بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی گذشت.....
۲۸	ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
۳۰	گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
۳۱	پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



یادداشتی پیرامون اعتراف «جو بایدن» به شکست آمریکا در افغانستان

بر اساس برآوردها و آمار اعلامی، آمریکا ده‌ها میلیارد دلار در افغانستان هزینه کرد که هشتاد میلیارد دلار صرف ساخت و تجهیز کردن ارتش افغانستان شد، اما این ارتش در مقابل نیروهای طالبان چون مقوا فرو پاشید، اسلحه را زمین گذاشته و پا به فرار گذاشتند. چنین فروپاشی سریعی حتا بسیاری از سردمداران ناتو را حیرت زده کرد. رژیم فاسد، مزدور و هوادار اشغال افغانستان که فاقد هرگونه پیوندی با مردمش باشد نمی‌تواند جز این انتظار داشته باشد. ارتش افغانستان انگیزه‌ای نداشت در مقابل نیروئی بجنگد که خواهان خروج اشغالگر از افغانستان است و حاضر باشد به عنوان متحد در کنار مجاهدان سابق قرار گیرد که پس از به قدرت رسیدن به سرمایه‌های افسانه‌ای دست یافته و افغانستان را غارت کرده و می‌خواهند فرزندان مردم افغانستان را به کشتن بدهند.

آمریکا با هدف مبارزه با «تروریسم و نابودی طالبان» بیش از بیست سال افغانستان را در تحت اشغال خود داشت و با بیش از

۴۵۰۰ کشته و ده‌ها هزار مجروح و علیل بدون هیچ دستاوردی جز کشتار و ویرانی و پاشاندن فسفر سفید بر فراز مردم بیدفاع روستاها، بمباران عروسی‌ها، مراسم عزاداری بیمارستان‌ها و مدارس مفتضحانه پا به فرار گذاشت. امپریالیسم آمریکا خودش بزرگترین تروریست جهان است و نمی‌تواند مبارز ضد تروریسم باشد. آنها حتی یکبار نیز اشتباه‌ها مزارع تریاک را که خودشان در آن سهیم بودند بمباران نکردند.

امپریالیسم آمریکا با شکست معادلات سیاسی‌اش در منطقه اکنون امیدوار است با سازش با جناحی از طالبان، و یا با نفوذ خود در مخالفان و با فعال کردن عوامل خویش که در افغانستان تربیت کرده است، در کادر به رسمیت شناختن حکومت جدید به تواند جهت‌گیری احتمالی طالبان بسوی ایران، روسیه و بویژه چین را متوقف کند و به تحریک علیه قطب مقابل به پردازد. اما احتمال محقق شدن چنین سیاستی در شرایط کنونی با توجه به ضعف مالی و افول آمریکا و از طرفی هوشیاری و پیشروی قطب مقابل بعید به نظر می‌رسد.

آنچه در افغانستان در طول بیست سال اشغال رخ داد، جنگ و کشتار خونین و حضور نظامی بیش از ۳۰ کشور با بیش از ۳۰۰ هزار نیرو، امری ساختگی و توطئه و جنگ زرگری بین «ارباب و نوکر» نبوده است. این رویدادها یک جنگ واقعی و امپریالیستی و تجاوزکارانه بوده که بر ملت افغانستان تحمیل شده است. متأسفانه برخی از محافل سیاسی در اثر پیچیدگی اوضاع و تناقضات جاری و عدم درک صحیح از تضادهای اجتماعی و تحول آنها، همه تحولات سیاسی افغانستان را، از آغاز تاکنون ایستا و نقشه‌ای از قبل طرح‌ریزی شده و در کادر و اراده «اربابان جهان» مورد تبیین قرار می‌دهند. به نظر آنها همه چیز صحنه‌سازی و ساختگی است و مردم و توده‌ها نقشی در تاریخ ندارند. در دنیائی که این عده برای ساده کردن دنیا و درجه فهم خود ساخته‌اند هم حکومت کنونی افغانستان نوکر آمریکاست، هم طالبان نوکر آمریکاست، هم ایران و پاکستان سرسپردگان آمریکا هستند، هم فرار آمریکا با زد و بند قبلی و استقرار نوکران جدید به جای نوکران قبلی انجام شده، هم تسلیم سربازان و عدم مقاومت مردم افغانستان در مقابل هجوم طالبان دسیسه آمریکاست و در یک کلام دنیا بر اساس قدرقدرتی امپریالیسم آمریکا و دست دراز شده تئوری توطئه می‌گردد. دست‌های نامرئی‌ای در جهان وجود دارند که سر همه نخ‌ها دست آنان است و دنیا را بر اساس بی اراده بودن خلق‌ها و توده‌ها می‌چرخانند. به نظر آنها که خودشان قربانیان تبلیغات بیست ساله غرب هستند در افغانستان کوچکترین تحولی صورت نگرفته است. آنها همه گرفتار فریب ندبه و زاری مسیح علی‌نژاده‌های افغانی شده‌اند که خواهان ادامه اشغال افغانستان هستند. تو گوئی زنان افغانستان در دوران حکومت‌های فاسد مجاهدین و ناتو در افغانستان از تساوی حقوق با مردان برخوردار شده بوده‌اند. مشتی عوامل ساخته و پرداخته آمریکا که برای نمایشات بین‌المللی به روی



نگاهی مختصر به کارنامه حسن روحانی و اهداف دولت جدید

کارنامه دودوره ازدولت «تدبیر و امید» حسن روحانی چیزی جز ادامه اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی، تشدید شکاف طبقاتی، بی خانمانی، بیکاری و تورم لجام گسیخته، گورخوابی، کارتون خوابی.... نبوده است، چیزی جز تشدید سرکوب و بازداشت‌های گسترده مردم معترض در جریان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و شهرهای خوزستان نبوده است. فقط در اعتراضات آبان ۹۸ علیه افزایش نرخ سوخت حدوداً ۱۵۰۰ نفر جان باختند.

سیاست دولت روحانی در مقابله با ویروس کرونا و واکسیناسیون عمومی چیزی جز فاجعه نیافریده و مسئول این کشتار عمومی نه فقط دولت بلکه کل حاکمیت اسلامی و در راسش سیدعلی خامنه ای بوده است. کارنامه دولت آینده که بزودی تحت رهبری ابراهیم رئیسی رسمیت می یابد بهتر از دولت روحانی نخواهد بود، برنامه اقتصادی او تفاوت چندانی با برنامه های اقتصادی نئولیبرالی باند روحانی نخواهد داشت، تکرار این فجایع و بازتولید آن است.

نمایندگان مجلس از جمله الیاس نادران و مهدی طغیانی، در آستانه‌ی سر کار آمدن دولت جدید، در بلندگوهای رسمی ادعا می کنند افزایش حقوق کارگران و بازنشستگان تورم زاست و نباید مزد و حقوق افزایش یابد! نگاه غالبی در بدنه‌ی نئولیبرال اتاق‌های بازرگانی، حامیان آن‌ها و برخی نمایندگان مجلس یازدهم وجود دارد که دستمزد و

صحنه آورده می شدند تا تحت عنوان دفاع از حقوق زنان و آزادی دوچرخه سواری، اشغال آمریکا و سرکوب مردم افغانستان و کشتار ده‌ها هزار افغانی را توجیه کنند، امروز نیز برای صحنه سازی‌های رسانه‌ای به میدان آمده‌اند تا از زشتی فرار آمریکائی‌ها بکاهند. هرگز در دوران مجاهدین توده زنان افغانی که در روستاها زندگی می کنند از حقوق دموکراتیک برخوردار نبودند و اقلیت ناچیزی زنان افغانی در برخی شهر و آنهم بیشتر در خانواده‌های مرفه توجیه گر اشغال یک کشور و بمباران مردم عادی آن نیست. در ایران نیز چنین تئوری‌هایی همچنان رونق دارد و عده‌ای بعد از چهار دهه از انقلاب بهمن، حکومت ایران را مزدور، محصول و دست نشاندۀ آمریکا تبلیغ می کنند و تضاد وی را با آمریکا ساختگی و یک بازی سیاسی برای فریب مردم و جنگی بین ارباب و مزدور و دیگر هیچ!! به حساب می آورند. این عده هیچ رهنمودی برای هیچکس ندارند. آنها قادر نیستند تحلیل مشخص از شرایط مشخص ارائه دهند. آنها در دنیای توطئه خود بر برج عاج روشنفکری با وجدان راحت و بی عملی کامل عمر خود را به سر می رسانند. اعتراف و اظهارات بایدن به شکست در افغانستان انتقادات شدید داخلی را برانگیخت!

«رایان دین رایت»، یک افسر سابق سیا، نوشت: «این کنفرانس مطبوعاتی می تواند مفتضحانه ترین و ویرانگرترین کنفرانس مطبوعاتی باشد که یک رئیس جمهور آمریکا تاکنون داشته است. و «مون آف آلاباما»، به طعنه نوشت: «تفاوت در هلی کوپترها بود».

شکست مفتضحانه آمریکا از همان بدو تجاوز روشن بود زیرا اهداف آنها در منطقه برای تخریب بود و امروز معادلات منطقه برهم خورده است. آمریکا دورنمایی برای پیروزی نداشته و ندارد. پیروزی بر کی؟

هر ملتی که چشم و امید به بیگانه بندد هیچگاه توان ایستادن روی پای خود را نخواهد داشت و از جهنمی به جهنمی دیگر فرو خواهد افتاد.

شکست آمریکا در افغانستان شکست همه ایرانیان خود فروخته‌ای است که می خواهند در پا رکابی ارتش آمریکا به ایران تجاوز کنند و وضعیتی مانند افغانستان در ایران به وجود آورند. شکست آمریکا و ناتو در افغانستان شکست همه آن نظریات صهیونیستی در میان ایرانیان بود که از تجاوز آمریکا و ناتو به افغانستان به عنوان مبارزه علیه تروریسم و ارتجاع، مبارزه برای «تمدن»، «تحقق حقوق زنان» دفاع کرده و مدعی بودند افغانستان به مهد آزادی و دموکراسی می رسد.

امروز این مردم افغانستان هستند که باید از این اشغال بیست ساله بیاموزند و سر نوشت خودشان را به دست بگیرند و علیه ارتجاع طالبان برای نیل به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی وارد مبارزه طبقاتی شوند، راه دیگری متصور نیست. •



یادداشت روز

نامه ای از ایران

ضعیف کُشی و شکارخانگی کردن دو صفت پست ورزیلانه ای است که حاکمان اسلامی ایران بیش از چهل سال به آن مشغولند

۱. دانشمندان هسته ای در روز روشن توسط مزدوران اسرائیلی ترومری شوند ، آنوقت رژیم ، عده ای بیگانه رادر زیر شکنجه وحشیانه مجبوره اعتراف وهمدستی با اسرائیل می کند !

۲. سایت های غنی سازی اورانیوم ونظامی شان «هک» و منفجر میشود ، آنوقت عده ای راننده وآبدارچی را مقصر میگیرند !

۳. به عمد از ورود واکسن کرونا جلوگیری می کنند ، دهها هزار انسان بیگانه رابه کام مرگ میفرستند ، تابا «تولید» واکسن داخلی وفروش داروها وهزینه های سرسام آور بیمارستانی ، کاسی راه بیندازند . آنوقت تمام تقصیر رابه گردن مردمی می اندازند ، که برای هزینه های زندگی ، اجبارا دل به دریا می زنند !

۴. برای بیست درصد از خودی ها ، همه گونه امکانات رانتی ، بانکی ، وامی وپارتی مهیا می کنند آنوقت اکثریت عظیم بیکارشدگان ونیازمندان را فاقد «ژن خوب» وکسانیکه «تن به کار نمی دهند» ، معرفی می کنند !

۵. قرن ها از لابلای فقریان و «گدایان» به بالا وپایین منبر میروند و سخنان یاهو وجفنگ میگویند و سر آخر دعاوتوسل وتوکل حواله نیازمندان و بیماران می کنند !

۶. فراوانی مواد مخدر ، آمار وحشتناک معتادین ، تن فروشی ، فروش اعضای بدن ، بیکاری ، عدم امنیت ، گرانی ارزاق ، زباله گردی ، بی مسکنی ، تبعیض علیه زنان ، دزدی وفساد ، فقر وگرسنگی ودهها وصدها بدبختی دیگر کشور را به نابودی کشانده آنوقت می گویند «هو الرزاق» !

۷. و بالاخره دوربین های مراقبتی وسرّی زندان مخوف «اوین» هک می شود وتصاویر و ویدئوهای شکنجه وضرب وشتم زندانیان اسیر ودر بند ، به معرض دید ایران وجهان قرار می گیرد ، آنوقت گفته می شود ؛ اگر کشوری درد دنیا ، نظیر جمهوری اسلامی ، پیدا شود که زندانیانش اینقدر از «رافت ورحمت» جمهوری اسلامی بهره مند شدند ، اعلام کنید !

بالین اوضاع اسفناک آیا چاره ای بجز سازماندهی ومبارزه در چارچوب تشکیلاتی منسجم وانقلابی برای مردم رنج دیده ایران باقی می ماند

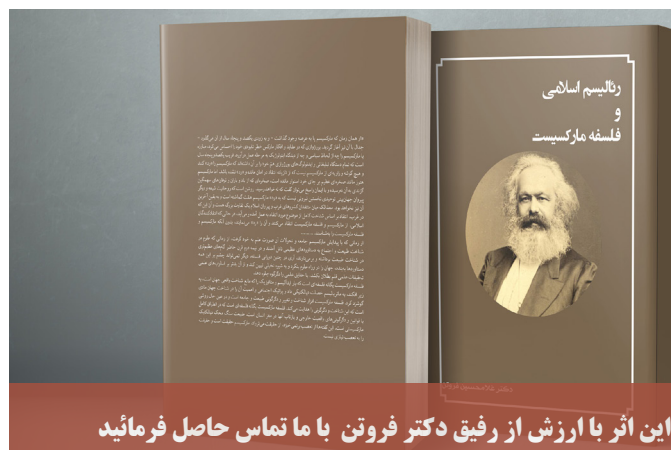
۴ شهریور ۱۴۰۰

نقدینگی را عامل ایجاد تورم می داند؛ این گروه ها که نقش پول های باد آورده و سودهای هنگفت خواص در افزایش همان نقدینگی را نادیده می گیرند و نقد سیاست های کلان اقتصادی کشور در بحران اقتصادی و تورم را نفی می کنند، همواره شمشیر را علیه «دستمزد کارگر» از رو می بندند و می گویند: برای جلوگیری از ایجاد تورم بیشتر، نباید دستمزد کارگران و مزدبگیران افزایش یابد؛ حتی باید کمتر از نرخ تورم رسمی زیاد شود!

حال که دولت سیزدهم کار خود را آغاز کرده، باز هم همین نگاه های نگران کننده و رویکردهای نتولیرالی در حال پروپاگاندا و اقناع مسئولان برای جلوگیری از واقعی سازی دستمزد هستند. آن ها «مزد» را از دو جهت می گویند؛ یکی توان استطاعت کارفرما و تولیدکنندگان و دیگری احتمال تورم زایی آن.....چنین سیاستی جز بن بست معنای دیگری ندارد.

حاکمیت جمهوری اسلامی ودولت رئیسی امیدوار است با نزدیکی باچین وتوافقتنامه راهبردی با این کشور ضمن حفظ وتضمین موقعیت نظامی سرمایه داری بربرخی از مشکلاتش نظیر بیکاری وی بی ثباتی اقتصادی فائق آید. لیکن تا زمانیکه لولای درب رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر اجرای سیاستهای نتولیرالی می چرخد، به تقدیس خصوصی سازی ها وبه سرکوب بیرحمانه کارگران واتحادیه های کارگری می پردازد، قراردادهای اقتصادی با چین راهگشای خروج از بحران او نخواهد بود.

مردم ایران، بویژه کارگران وزحمتکشان راهی جز ادامه مبارزه متحد، مبارزه ای سازمان یافته ومستقل، مبارزه ای با لاشخوران بین المللی وعوامل آنها وبرانداختن این نظام فاسد وتبهکار سرمایه داری که خون ملت را در شیشه ریخته است ندارد. چاره کارگران وزحمتکشان وحدت وتشکیلات است! •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

ابتدایی پیدایش ویروس کرونا، نظیر بی اهمیت شمردن این پدیده توسط شخص اول مملکت و گذرا خواندن آن، یا ادعای پیشگیری و درمان بیماری با توسل به روغن بنفشه و امثالهم از سوی مدعیان طب سنتی اسلامی، تا ادعای مقامات قرارگاه سازندگی سپاه پاسداران نسبت به اختراع دستگاه ویروس یاب و نمایش مضحک آن در بخش اخبار رسانه ملی، همه و همه نمایانگر بی دانشی و بی کفایتی سردمداران حاکم است.

پس از گذر از این شروع حماقت بار وادامه سیر گسترش همه گیری، بالا رفتن آمار مبتلایان و مرگ و میر، مقامات را به واکنش واداشت. اعمال قرنطینه و استفاده از ماسک و آموزش های عمومی توانست به طور نسبی از گسترش افسار گسیخته ابتلا بکاهد. ولی این سیاست نیز با توجه به ضعف بنیادهای اقتصادی و عدم حمایت مالی قرنطینه شدگان نهایتاً دوام زیادی نیاورد. در واقع طبقه برخوردار و صاحب سرمایه در این موقعیت امکان قرنطینه خود و جلوگیری حداکثری از آسیب را دارند و آنانکه قربانی نهایی و بی دفاع این شرایط هستند همان کارگران و زحمتکشان اند که برای امرار معاش خود چاره ای جز کار کردن ندارند.

جلوگیری صریح رهبر از ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به عنوان مهم ترین واکسن های موجود و در دسترس در جهان با مبنای موهوم احتمال توطئه علیه شهروندان ایرانی توسط این کشورها و همصدایی عده ای کارشناس متملق و بله قربان گو در کنار ادعای تولید واکسن داخلی در مقیاس انبوه و در کوتاه مدت علی الرغم اشراف به کاستی های موجود در زیرساخت تولید انبوه، صحنه ای دیگر از این نمایش مسخره و تهوع آور را رقم زد. به نحوی که بازخورد نتایج این تصمیمات، رهبر را به منوال گذشته مجبور به عقب نشینی کرد و در سخنانی به ورود واکسن های خارجی جواز داد.

به این فهرست بلند از ناکارآمدی و بی مسئولیتی مواردی چون سفارش به انجام مراسم مذهبی به جای جلوگیری از آن و برگزاری آزمون کنکور دانشگاه ها و نظیر اینها را نیز باید اضافه کرد.

در یک کلام باید گفت جمهوری سرمایه داری اسلامی از آزمون عبور از بحران کرونا سرافکنده تراز همیشه بیرون خواهد آمد. بحرانی که تعداد قربانیان آن در مدت کوتاهی از قربانیان جنگ هشت ساله ایران و عراق در حال پیشی گرفتن است. هر گونه سهل انگاری در اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی ادامه قتل عام مردم است و این جنایتکاران باید پاسخگو باشند.



سخنی در مورد بحران کرونا و سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی

شاید بتوان گفت بحران کرونا در میان تمام مسائل ریزودرشت کشور عمده ترین مسئله برای مردم و حکومت است. تبعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این موضوع در پی موج چندم همه گیری و تعداد انبوه مبتلایان و افزایش بی سابقه قربانیان در حال نیل به سوی ایجاد یک تهدید امنیتی است. به صورتی که مقامات امنیتی سپاه پاسداران در گزارشی افزایش تعداد قربانیان به رقمی بالای هفتصد نفر در روز را فاجعه بار خوانده و نسبت به احتمال ازدیاد آن و ایجاد مشکلات امنیتی هشدار داده اند. با توجه به اینکه آمارهای غیر رسمی به مراتب رقمی چند برابر آمارهای اعلام شده را نشان می دهند، می توان تا حدودی ابعاد فاجعه را تصور کرد. تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی و رسانه های گوناگون از ترافیک شدید کفن و دفن در گورستانها حکایت دارند به گونه ای که می توان گفت کمتر خانواده ای در ایران این روزها داغدار از دست دادن عزیزشان نیستند.

در بررسی علل و اسباب این بحران با توجه به گذشت بیش از دو سال از آغاز همه گیری و فروکش کردن آمار مرگ و میر در اکثر نقاط جهان بر اثر واکسیناسیون عمومی، بی کفایتی و عدم مدیریت صحیح زمامداران در ایران خودنمایی می کند. اظهار نظرهای غیر کارشناسی و غیر مسئولانه از همان روزهای

چند یادداشت کوتاه سیاسی



چین وجاده ابریشم در افغانستان

طبق گزارش «دیلی بیست» پکن قصد دارد با ابتکار «کمربند و جاده چین» نفوذ خود در افغانستان را با گسترش یک کریدور اقتصادی ۶۲ میلیارد دلاری افزایش دهد. این پروژه که نخستین بار در سال ۲۰۱۳ توسط «شی جین پینگ»، رئیس جمهوری چین به جریان افتاد و در سال ۲۰۱۷ در قانون اساسی چین نوشته شد، از سوی مقام‌های پکن به عنوان یک صندوق توسعه زیرساخت جهانی با هدف مرتبط ساختن بهتر چین با ما بقی جهان تلقی شده است. دیلی بیست نوشت: «این مقام‌های کابل و پکن مذاکراتی بر سر ساخت اتوبان پیشاور-کابل در جریان است. و مرتبط کردن کابل با جاده به پیشاور به معنی پیوستن رسمی افغانستان به پروژه کمربند چین است.»

طبق گزارش «اکونومیست» چین از نفوذ روزافزون در افغانستان برخوردار است و طی سه سال گذشته ارتباطات این کشور با طالبان به طور چشمگیری رشد کرده است. این نشریه افزود که نمایندگان طالبان به شدت می‌خواهند از نظر سیاسی و اقتصادی از طرف این غول اقتصادی آسیا به رسمیت شناخته شوند و بنابراین از طرح‌های چین برای ساخت بزرگراه‌ها در افغانستان حمایت می‌کنند.

بنظر می‌رسد خروج نیروهای نظامی ناتو از افغانستان شتاب بیشتری به پیشروی پروژه جاده ابریشم می‌بخشد و از این منظر چین از تضعیف و خروج نیروهای رقیب از خاک افغانستان خشنود است.



نابودی محیط زیست

غول‌های سرمایه انحصاری عامل اصلی فاجعه محیط زیست و آب و هوا و نابودی جنگل‌ها و مراتع هستند. ۷۱ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط ۱۰۰ شرکت انحصاری تولید شده‌اند. شرکت‌هایی که اکثر آنها چند ملیتی است و در بیشتر ممالک جهان فعالیت می‌کنند. محرک نظام سرمایه داری و در بالاترین مرحله آن کسب حداکثر سود است. در این نظام همه چیز بعنوان کالا برای فروش در انحصار سرمایه مالی است. نیروی انسان حتا جسم کودک، آب و هوا و زمین و دریا و فضا.... همه چیز کالا و برای خرید و فروش است و آنچه فاقد ارزش است جان و نیاز انسان و آینده بشریت است. نظام سرمایه داری، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را تقدیس می‌کند و با زور تفنگ و ابزار شستشوی مغزی افکار عمومی آن را مقدس و می‌ستاید. سرمایه داری با ادامه سلطه مخرب و انگلی‌اش زمین را نابود می‌کند. برای نجات محیط زیست و بشریت باید این نظام را با زور توده‌ای، زور کارگران و زحمتکشان جهان برانداخت و نظامی بجایش نشاند که اساسش بر مالکیت اجتماعی استوار است و نیاز جامعه و نه کسب سود و استثمار، دغدغه اوست. سوسیالیسم تنها پرچم رهایی محیط زیست و بشریت است.



در حاشیه اعتراضات اخیر در کوبا

کشور کوبا، با کمی بیش از ۱۱ میلیون نفر جمعیت، بین آمریکای شمالی و جنوبی قرار دارد. قبل از انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹، «فلوخنسینوباتیستا» دیکتاتور وقت کوبا، که با کمک آمریکایی‌ها توسط کودتا قدرت را قبضه کرده بود، با کمک سرویس‌های اطلاعات نظامی و پلیس مخفی، فعالان کمونیستی و آزادیخواهان را بی رحمانه سرکوب می‌کرد تا خللی در کار سرمایه داران و زمینداران آمریکایی و انگلیسی، که ۹۰ درصد معادن و املاک بزرگ و خدمات عمومی و تمام صنعت نفت کوبا را در اختیار داشتند، پیش نیاید. در حکومت «باتیستا»، سرتاسر کوبا مرکز فسادجنسی، قمار، مواد مخدر و انحرافات اخلاقی بود.

در روز نهم ژانویه سال ۱۹۵۹ انقلابیون کوبا به رهبری «فیدل کاسترو»، پس از شش سال جنگ چریکی، رژیم

به کوبا سرازیر خواهد کرد و شرایط به اوضاع پیش از انقلاب بر خواهد گشت.



محاکمه و مجازات سران جنایتکار رژیم در کدام دادگاه؟

این روزها برخی از گروه های اپوزیسیون نوکر صفت ایرانی نغمه «محاکمه و مجازات رئیسی و سران حکومت جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی امپریالیستی و تریبونالهای هاگ و لندن» را ساز کرده اند.

این محافل از تشدید تحریم های خارجی و سرنگونی رژیم توسط امپریالیسم حمایت میکنند. فریادهای اخیر برخی از عناصر خود فروخته سیاسی و محافل منحرفی که پشت کیفرخواست بودار دادستانی سوئد علیه حمید نوری (عباسی) که به اتهام ارتکاب «قتل عمد» و «جنایت جنگی» سنگر گرفتند از اعلام برگزاری دادگاه وی در روز ۱۰ اوت ۲۰۲۱ و راهبرد مشروعیت بخشیدن به «مداخله بشردوستانه» بمباران ایران و محاکمه سران رژیم توسط امپریالیسم آمریکا استقبال می کنند.

تشدید تضادهای آمریکا و ایران که با برهم زدن «توافقنامه برجام» توسط آمریکا و فشارهای حداکثری تحریم های غیرقانونی اقتصادی شکل گرفته امروز به مرحله خطرناکی رسیده است که سرانجام می تواند به شکلی از مداخله تجاوزکارانه نظامی منجر گردد.

دریستر رشد چنین تضادی عوامل امپریالیسم نظیر ایرج مصداقی و کاوه موسوی.... با همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بازداشت و کیفرخواست دادستانی سوئد علیه نوری یکی از عوامل سرکوب و کشتار رژیم را سازمان دادند.

بی تردید چنین حکم و دادگاهی شامل حال سران جنایتکار قدرتهای امپریالیستی و صهیونیستی نخواهد شد و این ابزار ریاکارانه «حقوق بشری» فقط در جهت سیاستهای هژمونی طلبانه در رقابتها بین المللی بر ممالکی اعمال میشود که با هر انگیزه ای زیر بار زور و دیکته الحاق طلبی نمی روند.

فقط یک دادگاه حق محاکمه و مجازات جنایتکارانی نظیر نوری و رئیسی و خامنه ای و همه کسانی که دستشان به خون مردم آغشته است را دارد و آن «دادگاه خلق» است که با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری و جنایتکار جمهوری اسلامی و

دست نشانده باتیستا را سرنگون و وارد «هاوانا» پایتخت کوبا شدند و مورد استقبال صدها هزار تن از مردم کوبا قرار گرفتند. انقلاب کوبا، که پالایشگاه های نفت کمپانیهای «استاندارد اویل و شل» املاک و معادن کلان سرمایه داران را ملی و قانون اصلاحات ارضی را تصویب و قمارخانه ها و مراکز فساد را برچیده بود، خشم امپریالیسم آمریکا را برانگیخت.

در سال ۱۹۶۰ سنای آمریکا، بنا به پیشنهاد «آیزنهاور» رئیس جمهور وقت آمریکا، خرید شکر از کوبا تحریم شد.

در سال ۱۹۶۲ «جان اف کندی» کوبا را به محاصره همه جانبه درآورد.

و «دونالد ترامپ» هم با ۲۴۳ تحریم جدید فشار بر کشور کوبا را، که مساحت آن کم و بیش ۲۵۰ برابر، کوچکتر از آمریکا است، افزایش داد.

با این حساب، ۶۲ سال است که مردم کوبا تحت شدیدترین تحریمها قرار دارند.

از سال ۱۹۹۲، هر ساله مجمع عمومی سازمان ملل، با اکثریت آرا علیه تحریم کوبا قطعنامه تصویب میکند و ۱۸۴ کشور از اعضای سازمان ملل خواهان لغو محاصره اقتصادی کوبا میشوند ولی آمریکا و اسرائیل هر سال، در این مدت ۲۹ سال، با آن مخالفت میکنند.

تحریمهای خردکننده امپریالیسم آمریکا، و سیاستهای رفاهی و وابستگی و تکیه بیش از حد رهبران وقت کوبا به روی یونیسف و خروشچفی «اتحاد شوروی»، بالاخره بخشی از نسل جوان و ناراضی را به خیابانها کشاند تا اعتراضشان را به افزایش نابرابری اجتماعی بیان کنند.

مجله ی دیجیتالی کوبایی «LaTizza» به درستی مینویسد: «کسانیکه به خیابان آمدند تا اعتراض کنند، از مردم برخاسته بودند که از افزایش ناگزیر نابرابری اجتماعی بیشتر زیان دیده بودند. این بخش از معترضین توسط ضدانقلاب فعال شدند.»

انقلاب سال ۱۹۵۹ کوبا که به همت چریک های انقلابی نظیر «خوزه مارتی»، «کاسترو»، «چه گوارا»، «آنکاد»، «سوارز» و صدها نفر دیگر، دست امپریالیسم آمریکا و انگلیس را از کوبا قطع و رژیم سرسپرده ی «باتیستا» را سرنگون کردند، باید با توجه به وقایع و رخدادها و افزایش ناراضی های اخیر در چندین شهر، دگرگون گردد. البته توسط خود کوبایی ها و بدون دخالت جنایتکاران خارجی، در راس همه آنها، امپریالیسم آمریکا.

رهبران کوبا حتما میدانند که اگر در سیاستهای کلی خود، بویژه در عرصه اقتصادی، تغییراتی در جهت منافع مردم کوبا بوجود نیاورند، به سرنوشت کشور «هاییتی» دچار خواهند شد که رئیس جمهورش بنام «ژوونل موئیس» در هفتم ژوئیه ۲۰۲۱ توسط نظامیان مزدور ترور شد.

رهبران کوبا باید بدانند که هرگونه بی کیاستی لاشخوران بین المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و کوبایی های ضدانقلاب ساکن آمریکا و نظامیان مزدور کلمبیایی را

بدست توانای مردم ایران امکان پذیر است.
زنده باد دادگاه خلق!
تنگ و نفرت بر حامیان «مداخلات بشردوستانه امپریالیستی»!



جویا ملالی، فعال حقوق زن در افغانستان درمورد وضعیت کنونی

وضعیت کنونی افغانستان جهنم است، وخیم تر از زمان اشغال ۲۰ سال قبل است. در آن زمان مافقط با طالبان روبرو بودیم ولی امروز علاوه بر طالبان با چند جبهه دیگر نیز درگیریم: اشغالگران، جنگ سالاران در مجلس و حاکمیت، داعش و همسایگانی که در امور داخلی ما دخالت میکنند تاریخ نشان داده است هیچ ملتی نمی تواند توسط ملت دیگری رها شود. تنها راه حل افغانستان در گام نخست خروج ارتش آمریکا و ناتو از خاک کشور است و همسایگان ما باید از مداخله در افغانستان پرهیز کنند. جنایت جنگی در افغانستان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن... و در سایر کشورها هنوز پنهان اما آشکار شده اند. نمی دانم چرا جولیان آسانژ قهرمان افشای جنایات جنگی سردبیر «ویکی لیکس» هنوز در زندان بسر می برد؟ در حالیکه جرج بوش، دیک جنی، اوباما، ترامپ و جو بایدن... باید در زندان باشند، نه جولیان آسانژ!

مصاحبه با نشریه پرولتر، هفته نامه حزب کمونیست سوئد اوت ۲۱



هزینه رسمی جنگ در افغانستان

برآورد تازه از مخارج یک حضور ۲۰ ساله؛ آمریکا باید تا ۲۰۵۰ هزینه جنگ افغانستان را پرداخت کند

دانشگاه براون (Brown University) با انجام یک بررسی همه جانبه، برآورد کرد که ایالات متحده در ۲۰ سال گذشته که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی آغاز شده، در مجموع ۲.۲۶ تریلیون دلار برای جنگ در افغانستان هزینه کرده است. این بدان معناست که این جنگ روزانه ۳۰۰ میلیون دلار برای آمریکا خرج برداشته و سرانه آن به ازای هر افغان معادل ۵۰ هزار دلار بوده است.



ارتش افغانستان حاضر به جنگ با طالبان نبود و فروپاشید

جوابیدن:

«ارتش افغانستان حاضر به جنگ با طالبان نبود و فروپاشید، رهبران افغانستان یا تسلیم شدند و یا از کشور گریختند. آیا نظامیان ما باید به خاطر آنان کشته شوند؟ این بهترین زمان برای خروج ما بود» «می خواستید چند نسل دیگر از دختران و پسران آمریکا را برای جنگ با افغانها بفرستم - جنگ داخلی افغان - وقتی که سربازان افغان حاضر به جنگیدن نیستند؟ چند آمریکایی دیگر باید جان خود را از دست دهند - آیا ارزشش را دارد؟ چند ردیف بی پایان دیگر به سنگ قبرهای گورستان ملی آرلینگتون اضافه شود؟» بایدن این غافلگیری را پذیرفت که سرعت پیشرفت طالبان غیرقابل انتظار بود. پیشروی سریع طالبان مقام های آمریکایی را که پیش بینی کرده بودند ارتش افغانستان یا طالبان را شکست می دهد و یا ماه ها در برابرشان مقاومت می کند، حیرت زده کرده است. ببینید، اینجا فرودگاه کابل است، سرباز آمریکایی وحشت زده سلاح را بسوی مردم بیدفاع نشانه گرفته است. در اثر تیراندازی سربازان آمریکایی حداقل ده نفر جان باختند.



فوری اقدامی مهم در جهت فشار به رژیم برای اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد است. کشتار مردم بویژه در میان فرودستان جامعه بسیار گسترده است و روبه فزونی است. کارگران و زحمتکشان چاره ای جز اتحاد و اعتراض علیه این حاکمیت غیر مسئول و جنایتکار ندارند. بیانیه زیر گامی است مثبت در جهت تقویت اتحاد و تسریع واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و ما مبادرت به انشاز آن می کنیم.

هیت تحریریه

«اکنون ایران به یمن وجود حاکمیتی غیر مسئول و ناکارآمد به قتلگامی تبدیل شده است که طبق آمار رسمی روزانه بیش از ۷۰۰ نفر بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست می دهند. کشتاری با چنین وسعت تنها بخش کوچکی از مصیبت های وارد شده بر خانواده ها و شهروندانی است که به سوگ عزیزان خود می نشینند. این کشتار کرونایی شهروندان در کنار ده ها معضل دیگر از جمله کمبود دارو و مراکز درمان، ضعف مالی بیماران و عدم توانایی خرید دارو ها، هزینه بالای تست کرونا و سی تی اسکن، گرانی ویزیت پزشکان بویژه مراکز درمانی خصوصی و ... مهم تر از آن اعمال تبعیض و شکاف طبقاتی در درمان و بهداشت و امر واکسیناسیون مردم محروم، نشان دهنده ابعاد دیگر سیاست های حاکم می باشد. در حالی که نهادهای دولتی و اقلیت مرفه حاکم، بیگانه با هر درد و رنج، با قبضه امکانات و تجهیزات بهداشتی درمانی با هدف دستیابی به سود بیشتر، از همان ابتدا با ممنوعیت خرید واکسن های معتبر و عدم ارائه خدمات حمایتی ویژه دوران قرنطینه به شهروندان، به دامنه پاندمی کرونا وسعت بخشیدند. دولت و ارگان های متولی در مقابل چنین بحران مرگباری که سرپای جامعه را به فلاکت و نیستی سوق داده است، با شانه خالی کردن از زیر بار وظایف خود، با تاخیر و کند نمودن امر واکسیناسیون، نظام سلامت را همچون سایر حوزه ها به بحران وحشتناکی کشانده اند. بودجه اختصاص یافته مقابله با کرونا را ۵۳۰ میلیارد تومان تصویب کرده اند، درحالیکه بودجه حوزه علمیه ۱۷۳۳ میلیارد تومان (سه برابر بودجه مقابله با کرونا) را به خود اختصاص داده است.

بخش اعظم این بودجه ناعادلانه نیز در روند بوروکراسی نظام سودمحور به جیب باندهای رانت خوار و سوداگران مرگ سرازیر شده است. در شرایطی که بیماران از کمبود دارو، تخت و امکانات بیمارستانی، اکسیژن، و حتی سرم، جان خود را از دست می دهند و مردم در صف های طویل مراکز واکسیناسیون، با نبود واکسن مواجه اند، مافیای دارو در بازار سیاه (آزاد) داروها و واکسن های وارداتی را با قیمت های سرسام آور نصیب اقشار و طبقات برخوردار می گرداند.

سیاست عدم حمایت از اقشار آسیب پذیر بخش کثیری از محرومان و افراد فاقد مدارک هویتی (مانند شناسنامه و کارت ملی، مهاجران)، آسیب دیدگان مواد مخدر و بی خانمان ها و ... رانیز از واکسیناسیون حلف می کند و عملاً به اشاعه سویه های مرگبار کرونا می افزاید. استقرار چنین شرایط فاجعه باری بر جامعه محصل بحران همه جانبه و فساد سیستماتیک نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داران کنونی است که جز کسب سود بیشتر و انباشت سرمایه، و اعمال ستم و سرکوب در مقابله با مردم معترض و توده های زحمتکش قانون دیگری نمی شناسند. رشد و گسترش روزافزون اعتراضات،



«عدم اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد جنایت است»

بیانیه مشترک چند اتحادیه کارگری و صنفی در مورد افزایش مرگ و میر کرونایی و خواست اجرای واکسیناسیون فوری

مردم را فوراً واکسینه کنید!

سران جنایتکار حکومت اسلامی کرونا را از همان آغاز بی خطر جلوه دادند و اکنون شاهد کشتار جمعی بویژه کارگران و زحمتکشان هستیم. افشاگری های اخیر مقامات رژیم جمهوری اسلامی علیه یک دیگر و انگشت اتهام به بالاترین مسئولین کشور نشان می دهد که: یکم، می توانستند واکسن از خارج بخرند اما با مخالفت رهبر روبرو شدند و نخریدند و جان هزاران ایرانی را با سیاست های ارتجاعی آلوده به تئوری توطئه، بی برنامه گی، استبداد و سانسور به جای شفافیت و اطلاع رسانی صحیح و کمک به محرومان و گرفتند و می گیرند.

دوم، وقتی رهبر جمهوری اسلامی خرید «واکسن های شیطانی» را ممنوع کرد برایش هورا کشیدند، به جای واکسن داروی رمدسیویر خریدند تا کیسه ی خود را پر کنند، کمک کواکس و پزشکان بدون مرز را رد کردند

سوم، تجمع های انتخاباتی و مذهبی را ممنوع نکردند، آمار مرگ و میر را پنهان کردند و به ملت دروغ گفتند. این مرتجعین تبهکار باید پاسخگو باشند! بیانیه مشترک چند اتحادیه کارگری و صنفی در مورد افزایش مرگ و میر کرونایی و خواست اجرای واکسیناسیون



محاکمه و مجازات سران جنایتکار رژیم در کدام دادگاه؟

این روزها برخی از گروه های اپوزیسیون نوکر صفت ایرانی نغمه «محاکمه و مجازات رئیسی و سران حکومت جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی امپریالیستی و تریبونالهای هاگ و لندن» را ساز کرده اند.

این محافل از تشدید تحریم های خارجی و سرنگونی رژیم توسط امپریالیسم حمایت میکنند. فریادهای اخیر برخی از عناصر خودفروخته سیاسی و محافل منحرفی که پشت کیفرخواست بودار دادستانی سوئد علیه حمید نوری (عباسی) که به اتهام ارتکاب «قتل عمد» و «جنایت جنگی» سنگر گرفتند از اعلام برگزاری دادگاه وی در روز ۱۰ اوت ۲۰۲۱ و راهبرد مشروعیت بخشیدن به «مداخله بشردوستانه»، بماران ایران و محاکمه سران رژیم توسط امپریالیسم آمریکا استقبال می کنند.

تشدید تضادهای آمریکا و ایران که با برهم زدن «توافقتنامه برجام» توسط آمریکا و فشارهای حداکثری تحریم های غیرقانونی اقتصادی شکل گرفته امروز به مرحله خطرناکی رسیده است که سرانجام می تواند به شکلی از مداخله تجاوزکارانه نظامی منجر گردد.

دربستر رشد چنین تضادی عوامل امپریالیسم نظیر ایرج مصداقی و کاوه موسوی.... با همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بازداشت و کیفرخواست دادستانی سوئد علیه نوری یکی از عوامل سرکوب و کشتار رژیم را سازمان دادند.

بی تردید چنین حکم و دادگاهی شامل حال سران جنایتکار قدرتهای امپریالیستی و صهیونیستی نخواهد شد و این ابزار ریاکارانه «حقوق بشری» فقط در جهت سیاستهای هژمونی طلبانه در رقابتها بین المللی بر ممالکی اعمال میشود که با هر انگیزه ای زیر بار زور و دیکته الحاق طلبی نمی روند.

فقط یک دادگاه حق محاکمه و مجازات جنایتکارانی نظیر نوری و رئیسی و خامنه ای و همه کسانی که دستشان به خون مردم آغشته است را دارد و آن «دادگاه خلق» است که با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری و جنایتکار جمهوری اسلامی و بدست توانای مردم ایران امکان پذیر است.

زنده باد دادگاه خلق!

ننگ و نفرت بر حامیان «مداخلات بشردوستانه امپریالیستی»!

اعتصابات و تجمعات کارگران، معلمان، پرستاران و کادر درمان، بازنشستگان، جوانان و جنبش های مردمی بویژه اعتراضات سراسری اخیر خوزستان به بی آبی، محرومیت و تبعیض، نقطه مقابل چنین بساط ظالمانه و مرگ آفرین است.

همانگونه که در اعتصابات سراسری اخیر کارگران، خواست «واکسیناسیون سریع و رایگان همگان در مقابل کرونا» مطالبه ای محوری به شمار می رود، کارگران و توده های زحمتکش و تشکل های مستقل علیه روند کشتار کرونایی مردم محروم و کالایی شدن بهداشت و درمان از مبارزه دست نخواهند کشید و خواهان مجازات عاملان کشتار کرونایی شهروندان می باشند.

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن اعلام انزجار و اعتراض شدید علیه این همه ناکارآمدی و بی توجهی حکومت به سلامت مردم هشدار می دهیم چنانچه به خواسته های عمومی برای واکسیناسیون فوری رایگان، مطمئن و همگانی اقدام نشود و طی یک برنامه ی مشخص و زمانبندی شده این چهار مورد مطالباتی با تعهد و مسوولیت پذیری انجام نگیرد مسوولیت همه عواقب آن را برعهده کلیه مسوولان حکومتی و نهاد های دولتی میدانیم.

ما اعلام می کنیم خواستار قرنطینه همراه با تامین حداقل های زندگی در مدت لازم برای اجرای آن برای کارگران و زحمتکشان و فرودستان هستیم و بدون قرنطینه همراه با تامین معیشت برای اقشار مزد و حقوق بگیر و بیکاران و فرودستان از دامنه ی این بیماری کاسته نخواهد شد.

بی شک امر واکسیناسیون و قرنطینه، بدون تامین دارو و تجهیزات بیمارستانی برای بیماران و توزیع ماسک و مواد ضد عفونی برای عموم مردم کرونا پایدار خواهد ماند. ما خواهان تامین این ضروریات اساسی برای کنترل و نابودی و ریشه کن کردن بیماری کووید ۱۹ هستیم.

ما بازداشت و کالایی را که به خاطر اعتراض به مسوولیت ناپذیری حکومت تحت پیگرد قرار گرفته اند شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری آنان هستیم.

امضا کنندگان:

« سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

« سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

« انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد

« اتحاد بازنشستگان

« اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

« گروه اتحاد بازنشستگان

« کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

« کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری

« چهارشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۰

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری
اسلامی به دست مردم**

استکھلم» دادگاهی برای اجرای عدالت نیست دادگاهی در خدمت مقاصد تبلیغاتی و تجاوزکارانه امپریالیست‌هاست و مبارزه انقلابی بر ضد ارتجاع حاکم در ایران را مخدوش می‌کند. هیچ نیروی ایران‌دوست و انقلابی نمی‌تواند به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم عمل کند.

صحنه سازی سوئد به یاری فرقه رجوی، رضا پهلوی، سازمانهای جاسوسی و برخی از محافل ظاهرا چپ سرهم شده است و می‌خواهد خود را مدافع «خلق ایران» جا بزند و با سواستفاده از احساسات پاک خانواده‌های جانبازان کشتار دهه ۶۰ و تابستان و شهریور سال ۶۷ به مقاصد پلید خود دست یابد. این دادگاه‌ها دستشان به خون ملتها آلوده است و مشروعیت محاکمه قاتلان و شکنجه گران را ندارند.

ما اعلام می‌کنیم، این جریان‌ات منحرف و حامی دادگاه‌های امپریالیستی حق استفاده از شهدای حزب ما را که بخاطر مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و مبارزه بر علیه امپریالیسم و برای استقرار سوسیالیسم و حفظ یکپارچگی ایران جانبازانند، ندارند. این یک سیاست تبهکارانه و مغایر با همه اصول انسانی و حقوق بشر است که عده‌ای با بی‌پرنسیبی و کاسبکارانه و با شیوه‌های غیراخلاقی و ماکیاویالیستی تصاویر شهدای حزب ما را در جهت اهداف و منافع پست و حقیر خود مورد بهره برداری قرار دهند. این محافل خودفروخته سیاسی که با نقاب «چپ» به میدان آمده‌اند باید پاسخگوی اعمال زشت و خائنانه خود باشند. همانطور که بارها تاکید کرده‌ایم فقط دادگاهی حق محاکمه و مجازات جنایتکارانی نظیر نوری، رئیسی و خامنه‌ای و همه کسانی که دستشان به خون مردم ایران آغشته است را دارد، دادگاه خلق است که با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری و جنایتکار جمهوری اسلامی و بدست توانای مردم ایران امکان پذیر است. این دادگاه هم صاحبان قدرت در ایران را محاکمه خواهد کرد و هم همدستان امپریالیست‌ها را که در خارج از کشور برضد مردم ایران با تبلیغ و توجیه سیاست تحریم، تهدید و تجاوز به ایران فعال بوده و با اخاذی از بیگانه به عمر آلوده خود ادامه می‌دهند.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!
زنه باد دادگاه خلق!

دست مزدوران امپریالیسم از شهدای توفانی و همه شهدای راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی کوتاه!

ننگ و نفرت بر حامیان «مداخلات بشردوستانه امپریالیستی»!

حزب کارایران (توفان)

۲۲ مردادماه ۱۴۰۰

تعدادی از شهدای حزب در این نمایشگاه عکس که در سال ۶۰ و ۶۱ و تابستان و شهریور ۶۷ تیرباران شدند و یا زیر شکنجه های وحشیانه جانبازانند، رفقا

« بابا پور سعادت
« قدرت فاضلی،
« داریوش فاضلی،
« جانیرار روحی،
« حسن مختاری،
« شاهرخ اسفراینی،
« داریوش انصاری،
« مسعود نائیبان،
« اصغر پهلوان،
« ابراهیم دادجو،
« ابراهیم نعیمی
« یدالله پهلوان،
« رفیق حجت آلیان (کیومرث)



دست مزدوران امپریالیسم از شهدای حزب ما کوتاه!

این روزها عده‌ای با نقاب «چپ» و با سواستفاده از نام و تصویر شهدا و برگزاری نمایشگاه عکس جانبازان سازمان‌های انقلابی و از جمله شهدای حزب کارایران (توفان)» در بیرون از سالن «دادگاه» نمایشی حمید نوری در سوئد در حال رژه رفتن هستند و برای محاکمه سران رژیم توسط دادگاه‌های امپریالیستی بیتابی می‌کنند!!! این محافل بیش‌ترانه به دنبال تشدید تحریم‌های اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران بوده و از الگوی «دادگاه» میلو سوئد و صدام حسین و... حمله به لبی الهام می‌گیرند. حزب کار ایران (توفان) بر این نظر است که نمایشات و صحنه‌سازی‌های یاران امپریالیسم و صهیونیسم را آنهم با نقاب «چپ» باید در متن سیاست عمومی امپریالیسم و صهیونیسم که برضد ایران و نه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی عمل می‌کنند، دید.

نقض همه حقوق قانونی و به رسمیت شناخته شده بین‌المللی ایران که کشوری ماندگار است، تحریم غیرقانونی و ضد بشری مردم ما، ممانعت از ورود دارو به ایران حتی در زمان بیماری همه‌گیر کرونا، خرابکاری در پیشرفت‌های علمی ایران، تروریسم آشکار برضد دانشمندان ایرانی و مقامات رسمی کشور ایران و... تحقیر هویت ایرانی در همه عرصه‌ها، ساختن فیلم‌های ضد ایرانی در کارخانه‌های تبلیغاتی هالیوود بر ضد ایران، تهدید به بمباران آثار ملی و باستانی ایران توسط دونالد ترامپ ربطی به وجود جمهوری اسلامی در ایران ندارد. این راهزنان جهانی تلاش دارند از ایران یک تل خاکستر به جای بگذارند. ایران و افغانستان دو حلقه مهم ارتباط جاده ابریشم به اروپا هستند و شکستن این حلقه چه در رژیم کنونی ایران و چه در رژیم‌های آینده یکی از سیاست‌های راهبردی امپریالیسم در این منطقه است. فراموش نکنیم بهترین یاران امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه خاورمیانه عبارتند از داعش، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کشور اسرائیل، بحرین و... نظایر آنها که همه آنها مرتجع‌تر و عقب‌مانده‌تر از جمهوری اسلامی ایران بوده و کارنامه‌ای از جنایت با خود به همراه دارند. هیچکدام از این «مبشران» حقوق بشر خواهان تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه «محمد بن اژه» نیستند. روشن است در سیاست عمومی امپریالیسم جایی برای تحقق و احترام به حقوق بشر و حمایت از آن وجود ندارد. کینه امپریالیسم و صهیونیسم نسبت به جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تنها و تنها به این علت است که این رژیم حاضر نیست مانند رژیم منفور محمد رضا پهلوی به سرسپرده وفادار آنها بدل شده و اسرائیل جنایتکار را به رسمیت بشناسد. ارزیابی از صحنه‌سازی‌های سوئد را باید در این متن قرارداد. «دادگاه

را داده بودند)، تعیین کردن بازه زمانی مشخص برای پرداخت حقوق و ... داشتند توسط محمد دلاور، مدیر غیر متخصص پروژه اخراج شدند.

واحد گلخانه

مدیریت اشتباه و تاخیر در بهره برداری از طرحی که قرارداد ساختش ۱ ساله بود؛ مدیریت مجموعه بیدمشک با به کارگیری افراد غیر متخصص، تاخیر در مراحل ساخت گلخانه و گرفتن وام های میلیاردی با تکیه بر روابط موجود، از بانک کشاورزی شهرستان سریش، مشغول هدر دادن سرمایه و حق و حقوق مردم محروم این منطقه است.

وضعیت اسفناک زنان و کودکان

در این مجتمع فرزندان کارگران ساکن در مجتمع از ۱۳ یا ۱۴ سالگی به کار در واحد های مختلف تشویق می شوند. و خانواده های آنان از فقر و از روی ناچاری مجبورند که به فرزندان خود اجازه بدهند که در سن کم و دقیقاً در زمانی که باید مشغول تحصیل باشند، بار سنگین کار را به دوش بکشند. وضعیت زنان نیز بسیار نامساعد است و معمولاً با حقوقی بسیار ناچیز و با محرومیت از هرگونه امکانات، مشغول به کار هستند. وضعیت غیر قابل تحمل منازل کارگری بر خلاف ادعای مدیران مجموعه

مدیران این مجموعه از جمله هادی سروری مدیر داخلی شرکت ادعا می کنند در مجتمع بیدمشک برای ۷۰ خانوار مسکن و امکان تحصیل ایجاد شده است، در حالی که بعضاً در این مجتمع منازل وجود دارد که فاقد حمام و سرویس بهداشتی هستند و خانواده های ساکن در این منازل ناچار اند که برای استحمام و رفتن به سرویس بهداشتی به مدرسه و یا حمام های واحد تولید لینیات مراجعه کنند.

مشکل آب آشامیدنی؛ آب آلوده برای کارگران، استخر سرشار از آب تصفیه برای سیروس مشار!

در مجتمع بیدمشک، آب آشامیدنی مناسبی وجود ندارد و آب مورد استفاده کارگران و خانواده هایشان آبی آلوده و مقداری شور است، لیکن در ویلایی که سیروس مشار در مرکز این مجموعه برای تفریح خود احداث کرده است، استخرهایی برای شنا وجود دارد که دارای تصفیه خانه هستند و از آب تصفیه پر می شوند. امید است که با تکیه بر آگاهی کارگران جوان و عدالتخواه این مجموعه، شاهد دسترسی کارگران تمامی واحد های مجموعه به مطالباتشان باشیم.

متن از «گروه نویسندگان #همراه_سرخط»



گزارشی از وضعیت اسفناک کارگران در مجتمع کشت و صنعت بیدمشک

توسعه و اشتغال یا برده داری مدرن؟

مجتمع کشت و صنعت بیدمشک که تحت مالکیت سیروس مشار از ایرانیان مقیم اروپا و مدیریت هادی سروری است، در شهرستان سریش از توابع استان خراسان جنوبی، واقع شده است.

این مجتمع متشکل از بخش های مختلفی از جمله؛ واحد مرغ های تخم گذار با ظرفیت سالانه ۳۶۰۰ تن تخم مرغ و ۲۶۲ تن گوشت مرغ، ۸۵۰ راس گاو شیرده با ظرفیت روزانه ۱۳ تن شیر. اراضی کشت پسته، زرشک، گل محمدی، واحد تولید لینیات، واحد در حال تاسیس گلخانه (۱۲ هکتار)، و... است. و همچنین ۷۰ خانوار در این مجتمع سکونت دارند.

بی توجهی به حقوق بدیهی کارگران و اخراج کارگران معترض

در مجتمع بیدمشک بدیهی ترین حقوق کارگران از جمله تامین ایمنی هنگام کار، پرداخت به موقع حقوق، پرداخت به موقع بیمه و... نادیده گرفته میشود و اعتراض به اوضاع معمولاً با اخراج همراه است. و در آخرین اعتصاب کارگران این مجتمع در واحد در حال تاسیس گلخانه، چندین کارگر معترض که مطالباتی از جمله؛ عقد هرچه سریعتر قرارداد، پرداخت بیمه (بعد از ۳ ماه، در حالی که در آغاز وعده بیمه بعد از ۱ ماه کار



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری مرداد ماه ۱۴۰۰

در مردادماه اعتصاب سراسری کارگران شرکت نفت برای پایان دادن به خصوصی سازی، افزایش حقوق، ۱۰ روز مرخصی در مقابل ۲۰ روز کار و ... ادامه یافت و در بعضی از شرکت‌ها کارگران به موفقیت‌هایی نیز دست پیدا کردند و همزمان با آن، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه نیز ادامه یافت و صدور حکم قطعی انتقال مالکیت شرکت به دولت، کام کارگران هفت تپه و دیگر کارگران ایران را شیرین ساخت.

تعداد اعتصابات و گستردگی پاره‌ای از آنان و شرکت کارگران حرفه‌های گوناگون در اعتصابات و پایداری آنان بر خواسته‌ها و عدم عقب نشینی از حقوق برحق خود و طولانی شدن اعتصابات، همگی گواهی بر وجود روحیه مبارزاتی بسیار قدرتمند در کارگران است که لازمه مبارزه طبقاتی است، ولی دست پیدا نکردن به پیروزی ماندگار نشان از آن دارد که اگرچه مقاومت و ممارست در مبارزه لازم است ولی کافی نیست. آنچه کمبودش حس می‌شود یک اتحادیه نیرومند صنفی و دمکراتیک سراسری است، که بتواند با متشکل کردن اعتصابات و اعتراضات و فشار بر کارفرمایان مطالبات خود را بر آنها تحمیل کند. در زمانی که اتحادیه‌های مستقل موجود که در زیر فشار و سرکوب و پراکندگی هنوز موفق نشدند بخش بزرگی از کارگران را سازمان دهند، خطا است که سرنوشت هر اعتصاب و خواسته‌ای را به سرنوشتی و نابودی سرمایه داری و الغای استثمار گره زنند. سازمان‌های صنفی موازی می‌بایست به دوراز نظرات ایدئولوژیک و سازمان سیاسی بر روی فعالیت‌های صنفی متحد تا به وزنه‌ای قابل توجه بدل شوند. البته این سعی و تلاش برای فعالیت صنفی یک سازمان

به مفهوم عدم توجه اعضای آن به فعالیت سیاسی نیست، بلکه به این مفهوم است که برای جلب کارگران مختلف بی شمار به سازمان صنفی، می‌بایست بر روی مسائل صنفی متمرکز شد. طبیعی است که در این سازمان افراد پیشرو طبقه کارگر می‌توانند پنهان از چشم پلیس در میان کارگران به تبلیغ مخفیانه نظرات خود بپردازند ولی نمی‌بایست شکل و فرم و فعالیت کل اتحادیه کارگری و صنفی را حزبی کنند. هیچ اتحادیه‌ای غیر سیاسی نیست، همه اتحادیه‌های صنفی، سیاسی نیز می‌باشند اما حزبی نباید باشند زیرا یک حزب سیاسی برای کسب قدرت سیاسی پیکار می‌کند و چنین وظیفه‌ای در ماهیت و برنامه یک اتحادیه نیست و نمی‌تواند باشد. عدم درک صحیح از وظایف اتحادیه و یک حزب سیاسی ضربه‌ای جبران ناپذیر به مبارزات کارگری خواهد زد. در مردادماه اعتصابات و تجمعات کارگری و مردمی با شدت بسیار ادامه یافت که در ادامه با یکدیگر به بخشی از رخدادهای مبارزاتی این ماه نظری می‌اندازیم:

اخبار سرکوب و مقاومت

۱۳ مرداد

نیروهای امنیتی به منزل خانم نصرت بهشتی معلم بازنشسته و فعال مدنی رفته و وی را بازداشت کردند. نصرت بهشتی چند روز پیش توسط نیروهای اطلاعاتی به بهانه‌ای پاره‌ای توضیحات به اداره‌ای اطلاعات مشهد احضار شده بود.

۱۸ مرداد

اکبر آزاد از اعضای کانون نویسندگان ایران بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد. اکبر آزاد در سال ۱۳۹۵ به اتهام «مشارکت در تشکیل جمعیت به منظور برهم زدن امنیت کشور» به ۱۵ سال حبس و دو سال تبعید به باغملک (استان خوزستان) محکوم گشت که در دادگاه تجدید نظر در دی ماه

۹۸، این محکومیت به ۲ سال حبس و ۲ سال تبعید تقلیل یافت.

۱۹ مرداد

ناصر همتی، روانپزشک، شاعر، مترجم و فعال مدنی پس از رجوع به دایره‌ی اجرای احکام دادسرای اصفهان، بازداشت و به زندان دستگرد این شهر منتقل شد.

۲۳ مرداد

هفت وکیل دادگستری و فعال مدنی «آرش کیخسروی، مصطفی نیلی، مهدی محمودیان، محمدرضا فقیهی، محمدهادی عرفانیان کاسب، مریم افرافراز و لیلا حیدری» توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

نفت، گاز، پتروشیمی، پالایشگاه و نیروگاه‌ها

۱ مرداد

اعتصاب کارگران در پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، نیروگاه‌ها و تأسیسات وابسته به صنعت نفت در ۱۱۴ پالایشگاه و مرکز پتروشیمی و نیروگاه در ۳۵ شهر از جمله شهرهای تهران، اراک، اصفهان، اهواز، آبادان، ماهشهر، جاسک، عسلویه، گچساران و... سی و پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت. اعتصاب کارگران پیمانکاری صنایع نفت گسترده‌ترین و در عین حال طولانی‌ترین اعتصاب در چند دهه اخیر است.

۲ مرداد

کارگران و کارکنان مجتمع پتروشیمی آبادان، در برابر این مجتمع، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان برگشتن کارگران اخراج شده به سر کار شدند. کارکنان پتروشیمی کاویان عسلویه در اعتراض به پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی با برپایی تحصن، اعتصاب کردند. همچنین تمام کارکنان به مدت ۵ روز اعتصاب غذا کرده و وعده‌های غذایی محل کار را تحویل نگرفتند. کارگران بومی مهران و ملکشاهی در کارگاه جهانپارس مهران به اعتصاب سراسری پیوستند.

۱۰ مرداد

در چهل و چهارمین روز اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت، پتروشیمی و نیروگاه‌ها، کارگران و صنعتگران اعتصابی پروژه‌های نفتی استان چهارمحال و بختیاری در شهرستان هفشجان در راستای حمایت از تداوم اعتصاب یک مجمع عمومی بزرگ برگزار کردند. کارگران شرکت‌کننده که همگی از کارگران پروژه‌ای مراکز مختلف بودند درباره مشکلات کاری و مطالبات بر حق خود سخنرانی کردند. کارگران و کارکنان بخش تعمیرات پالایشگاه اصفهان در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد، در داخل این مجتمع صنعتی دست به اعتصاب زدند.

رانندگان شرکت نفت سروستان در استان فارس در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها دست به اعتصاب زدند.

۱۱ مرداد

کارگران سکوی نوروز در منطقه عملیاتی بهرگان در شرکت نفت فلات قاره، نسبت به محدودیت‌های حقوقی ایجاد شده توسط مجلس و دولت دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۲ مرداد

اتحادیه سراسری سندیکا‌های کارگران و کارکنان آلمان با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... ما از مبارزات برحق کارگران و کارکنان صنایع نفتی ایران در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی مطلع شده‌ایم. با نگرانی بسیار مطلع شده‌ایم که این اعتصابات از سوی رژیم ایران سرکوب می‌شود. تظاهرکنندگان با مجازات‌های سنگینی از جمله قطع حقوق و دستمزد، همچنین با اخراج و بیکاری و زندان مواجه هستند. این اعتصابات برحق است زیرا برای افزایش حقوق و بهبود بخشیدن به شرایط کاری، آنگونه که در شأن انسان باشد صورت گرفته است»

۱۳ مرداد

کارگران جوشکار و مونتاژکاری شاغل در پروژه‌ی ذخایر نفت قشم واقع در جزیره‌ی قشم نیز به اعتصاب پیوستند. کارگران اعلام کردند: ما خواستار حداقل ۱۰ روز مرخصی ماهانه برای بودن در کنار خانواده هستیم؛ درخواست دیگر ما عقد قرارداد مستقیم با شرکت نفت و برخورداری از امنیت شغلی است؛ بنابراین ما نیز به کمپین ۲۰-۱۰ می‌پیوندیم. حدود ۳۰ نفر از رانندگان ماشین آلات سگال آذر پیمانکار طراحی مهندسی پارس ۲ به دلیل عدم پرداخت مطالبات خود دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی با ورود مامورین کلانتری، جو برای مدتی متشنج شد.

۱۵ مرداد

مقامات پالایشگاه اصفهان تصمیم به اخراج یکباره ۴۰۰ نفر از کارگران معترض گرفتند. کارگران پیمانی بخش تعمیرات پالایشگاه اصفهان از دهم مرداد ۱۴۰۰ به اعتصاب سراسری پیوستند. خواسته آنان افزایش دستمزدها و بهره‌مندی از مزایای کارگری بود. اما مسئولان پالایشگاه اصفهان، به جای رسیدگی به مشکلات کارگران و پاسخ به خواسته‌های آنان، تصمیم به اخراج یکباره ۴۰۰ تن از آنان گرفتند.

۱۶ مرداد

کارگران عسلویه طی پیامی تاکید کردند: «اعتصاب ادامه دارد و کارگران در عسلویه سر کار برنگشتند. سیستم سعی دارد طور دیگری جلوه بدهد یا آنها را به کار برگرداند. ولی تاکنون کسی برنگشته است. افراد معدودی را با ترساندن و یا سوءاستفاده از شرایط بد مالی آنها توانستند به کار برگردانند.

تعداد این کارگران خیلی کم است و کمپین ادامه دارد». کارگران بهرگان سومین روز تجمع اعتراضی پشت سر گذاشتند.

۲۶ مرداد

پنجاه و نهمین روز اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت در پالایشگاه، مرکز پتروشیمی و نیروگاه‌های مختلف در ۳۵ شهر در حالی ادامه یافت که پانزده شرکت و پیمانکاری با خواسته‌های کمپین ۱۰-۲۰ موافقت کردند که پیروزی بزرگی برای کارگران اعتصابی محسوب می‌شود.

۲۸ مرداد

نمایندگان کارگران اعتصابی پروژه‌ای در هفشجان با شماری از پیمانکاران نشستی داشتند و حول شرایط کاری و مطالبات خود به بحث و گفتگو پرداختند. به دنبال این نشست مقرر شد که پیمانکاران نیز از میان خود ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب کنند تا در جلسات پیگیری مطالبات کارگران حضور یابند. این نشست به دنبال مجمع عمومی بزرگ این کارگران در دهم مرداد ماه بود که از شهرهای مختلف استان چهار محال و بختیاری در آن شرکت کرده بود. هم‌اکنون بخشی از کارگران اعتصابی در برابر عقب نشینی‌هایی از سوی پیمانکاران و با توافقاتی به سر کار بازگشته‌اند. در عمده این توافقات زیر فشار اعتراضات کارگران درجه ای از افزایش دستمزد به علاوه خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی تحمیل شده و این عقب نشینی‌ها دستاورد تا کنون اعتصاب سراسری کارگران نفت بوده است. اعتصاب تا رسیده به مطالبات کارگران ادامه دارد.

۳۰ مرداد

کارگران پالایشگاه هفتم عسلویه در فازهای ۱۷ و ۱۸ در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت سنوات و بدی کیفیت وعده‌های غذایی بار دیگر دست از کار کشیده و تجمع کردند. به دنبال اعتراض کارگران، مدیران شرکت در جمع کارگران حاضر شدند و وعده رسیدگی به خواسته‌های کارگران را دادند. کارگران با تاکید بر اینکه اگر وعده‌ها اجرایی نشود دوباره دست از کار خواهند کشید به سر کار بازگشتند.

هفت تپه

۲ مرداد

کارگران شرکت هفت تپه در دوازدهمین روز اعتصاب خود، در محوطه شرکت دست به تجمع و راهپیمایی زدند و بعد از آن از محل شرکت خارج شده و در بازار هفت تپه راهپیمایی کردند. کارگران بخش دفع آفات شرکت هفت تپه نیز بیست و نهمین روز اعتصاب و اعتراض را پشت سر گذاشتند. کارگران اعلام داشتند: «امروز در بازار بودیم، فردا شاید فرمانداری!

هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابل ما ایستادگی کند!». کارگران ضمن بیان خواسته‌های خود، از خواست به حق مردم خوزستان حمایت کردند. آنان خواستار رسیدگی فوری به حقوق پایمال شده کارگران و زحمت‌کشان این منطقه شدند.

۴ مرداد

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه پرونده سازی برای خانم فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه را محکوم ساخت. خانم «فرزانه زیلابی» روز سه شنبه پنجم مرداد ۱۴۰۰ به اتهام واهی نشر اکاذیب در بیدادگاه عمومی شهرستان اهواز محاکمه می‌شود و در تاریخ ۳۱ مرداد نیز (در شعبه ۲) در دادگاه انقلاب اهواز به چهار اتهام واهی دیگر (۱- اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور. ۲- عضویت در گروه‌های معاند. ۳- توهین به رهبری. ۴- فعالیت تبلیغی علیه نظام.) محاکمه خواهد شد.

۵ مرداد

کارگران هفت تپه در پانزدهمین روز اعتصاب خود در محوطه کارخانه تجمع کردند. «محمد امیدوار» از نمایندگان کارگران هفت تپه در این تجمع گفت: «ما در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق عقب افتاده، تعیین تکلیف نشدن وضعیت شرکت، بازگشت به کار دوستان و همکاران اخراجی و همچنین تعیین تکلیف همکارانمان در قسمت غیر نیشکری، همکارانمان در دفع آفات، همچنین نیروهای فصلی که در سایر قسمت‌های شرکت در حال فعالیت هستند، اعتصاب کردیم.»

۷ مرداد

در هفدهمین روز اعتصاب، کارگران اعتصابی در حمایت از حق اعتراض کارگران کارخانه الکل سازی مجموعه هفت تپه به محل آن کارخانه رفتند. آنها به عملکرد مسئولین این بخش دست به اعتراض زدند. مسئولین کارخانه الکل سازی مجموعه هفت تپه از حضور کارگران این بخش در اعتصاب و تجمع ممانعت می‌کنند و اجازه اعتراض به این کارگران نمی‌دهند. در حالیکه این کارگران چند ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند و به پرداخت نشدن و بی‌توجهی به دیگر مطالباتشان معترض هستند.

۸ مرداد

هجدهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه، در برابر مدیریت این مجتمع ادامه داشت. کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه تجمع خود در محوطه این شرکت دست به راهپیمایی زدند. کارگران نیشکر هفت تپه در جریان تجمع خود، به طرح جدید مسدود سازی اینترنت در ایران اعتراض کردند. آنان شعار می‌دادند: «حامی مفسد هستند، از اینترنت می‌ترسند!»

۹ مرداد

اعتصاب کارگران هفت تپه نوزدهمین روز خود را پشت سر

سازمان همیاری شهرداری‌های استان البرز دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند. کارکنان معترض شعار می‌دادند: «پولهای ما کجا رفت؟ تو جیب مسئول‌ها رفت»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه».

۹ مرداد

پرستاران جوانی که در آزمون پیمانی تامین اجتماعی دزفول شرکت کرده بودند، در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود دست به تجمع زدند.

۱۰ مرداد

بنابر فراخوان قبلی، تجمع اعتراضی پزشکان در شهرهای تهران، شیراز، کرمان، یاسوج، مشهد و همدان برگزار شد. در تهران پزشکان معترض در اعتراض به بی‌توجهی وزارت بهداشت به خواسته‌هایشان روبروی مجلس و در شهرهای دیگر پزشکان با تجمع در مقابل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان خود دست به اعتراض زدند.

۱۷ مرداد

در ادامه اعتراضات در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، استاجر ها در حمایت از حقوق دانشجویان اینترنت به تجمع ملحق شدند. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه برای دومین روز متوالی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این دانشجویان در حال گذراندن دوره اینترنتی خود هستند. آنها خواستار رسیدگی مسئولین به وضعیت معیشتی سخت در دوران اینترنتی و کمک هزینه ناچیز این دوره شدند. همچنین آنها خواستار محاسبه بیمه و سابقه کار و همچنین کم شدن ساعات کار خود می‌باشند.

۱۸ مرداد

اینترنتی‌های دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، در سومین روز اعتصاب و تجمع خود، با انتشار بیانیه‌ای خواست‌ها و مطالبات خود را بیان داشتند. آنها در جلسه‌ای با حضور استادان و مسئولان علوم پزشکی شرکت کرده و اعلام داشتند. تا برآورده شدن خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

۲۱ مرداد

تجمع اعتراضی گسترده کارورزان و کارآموزان و دانشجویان علوم پزشکی همدان در ششمین روز خود در شهرهای مختلف ادامه یافت. دانشجویان اینترنتی همدان روبروی این دانشگاه دست به تجمع زدند. معترضان در اعتراض به بیگاری کشیدن از اینترنت‌ها پلاکارد هایی در دست داشتند.

شهرداری

۴ مرداد

کارکنان آبفای ایزه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات و بی‌توجهی به خواسته‌هایشان وارد سومین روز اعتصاب خود

گذاشت. بنا به خواسته کارگران و اعلام آن به نمایندگان خود در تجمع اعتراضی روز گذشته (جمعه)، ادامه اعتصاب و تجمع به خارج از شرکت و شهر شوش کشیده شد. ابتدا با تجمع در برابر فرمانداری شوش شروع شد. در این تجمع «ابراهیم عباسی‌منجری»، به سخنرانی پرداخت. پس از آن کارگران اقدام به راهپیمایی اعتراضی در خیابان‌ها و بازار شهر شوش نمودند.

۱۶ مرداد

در بیست و ششمین روز از اعتصاب کارگران هفت تپه، کارگران با برگزاری جلسه پیشنهادی توسط شورای تأمین استان مخالفت کردند. کارگران می‌گویند که ما اعتمادی به مقامات و شورای تأمین استان نداریم. پس از این تصمیم‌گیری، کارگران به سمت اداره کار شوش رفته و با تجمع در برابر اداره، خواهان برآورده شدن مطالبات خود شدند. کارگران ضمن اعتراض به نماینده اداره کار به دلیل همدستی این اداره با شورای اسلامی گفتند که افراد شورای اسلامی نماینده ما کارگران نیست.

۲۶ مرداد

سی و شش روز اعتصاب کارگران ادامه یافت. کارگران هفت تپه در برابر فرمانداری شوش دست به تجمع زدند. و کارگران بخش دفع آفات شرکت هفت تپه و غیرنیشکری نیز، در پنجاه و سومین روز اعتصاب همراه با سایر کارگران در برابر فرمانداری شوش تجمع کردند.

۳۰ مرداد

کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل تعطیلی در طی چند روز گذشته تجمع اعتراضی را برگزار نکردند. اما تجمع اعتراضی از روز شنبه ۳۰ مرداد مجدداً شروع شد.

کارگران اخراجی بخش حراست در دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار بازگشت به کار شدند.

۳۱ مرداد

رای قطعی شعبه ۵۵ حقوقی تهران دایر بر خلع ید هفت تپه به دولت و خریدار ابلاغ شد. بر این اساس مالکیت هفت تپه از خریدار خلع ید و به دولت واگذار می‌شود.

با توجه به اعلام قطعی خلع ید شرکت از بخش خصوصی و واگذاری شرکت هفت تپه به دولت، امروز کارگران تجمع و ادامه اعتصاب را در داخل شرکت برگزار کردند و کارگران چهل و یکمین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند.

کادر درمان و بهداشت

۴ مرداد

پرسنل بیمارستان خمینی کرج، در بلوار بلال این شهر، در برابر

شدند.

۵ مرداد

کارگران جایگاه‌های تعطیل شده سی‌ان‌جی ارومیه در اعتراض به اخراج و بیکاری‌شان در برابر ساختمان شهرداری تجمع کردند. کارگران بیکار شده با سردادن شعار خواستار استعفای شهردار شدند.

۹ مرداد

کارگران شهرداری رودبار زیتون واقع در استان گیلان، پنجمین روز اعتصاب و تجمع اعتراضی خود را نسبت به عدم پرداخت ۴ تا ۵ ماه دستمزد و حق بیمه، در برابر ساختمان موتوری شهرداری این شهر برگزار کردند.

۱۲ مرداد

کارگران شهرداری ابوحمیظه دشت آزادگان در استان خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های عقب‌افتاده و بیمه در محوطه کار خود دست به تجمع زدند.

۱۷ مرداد

پرسنل آب و فاضلاب شهر هویزه در خوزستان نسبت به عدم پرداخت معوقات ۹ ماهه و ۳ سال حق بیمه دست به تجمع اعتراضی زدند.

۳۱ مرداد

کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله نسبت به عدم پرداخت حقوق آذر و دی ماه ۹۹، تسویه کامل سال گذشته و همچنین حقوق عقب مانده سال جاری، اعتصاب کرده و در مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازنشستگان**۳ مرداد**

بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در برابر ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان در اعتراض به کم کردن حقوق همسان‌سازی و بی‌توجهی مدیران این صندوق به انجام مطالبات‌شان دست به تجمع زدند.

۴ مرداد

بازنشستگان صدا و سیما بار دیگر برای رسیدگی به خواسته‌ها و پرداخت شدن مطالبات عقب‌افتاده جلو مسجد بلال دست به تجمع زدند. معترضان پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن خطاب به صدا و سیما نوشته شده بود: «رسانه‌ای که از وضع کارکنان خود خبر ندارد چطور می‌توان خبرهایش را باور کرد»

۵ مرداد

بازنشستگان تهران و کرج در حمایت از مردم خوزستان دست به تجمع زدند.

۱۰ مرداد

تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد در شهرهای تهران، اصفهان و اهواز برگزار شد. بازنشستگان فولاد در تهران روبروی دفتر مرکزی صندوق فولاد در خیابان وزرا، در اصفهان روبروی موسسه صندوق حمایت بازنشستگی کارکنان فولاد و در شهر اهواز مقابل دفتر امور بازنشستگی منطقه فولاد خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۱ مرداد

تجمع اعتراضی بازنشستگان و شاغلان صدا و سیما با مطالباتی در رابطه با اجرای همسان‌سازی، ارتقا کیفیت بهداشت و درمان و در اعتراض به مزدهای زیر خط فقر، در مقابل مسجد بلال، برگزار شد.

۱۷ مرداد

بازنشستگان فولاد در اصفهان و خوزستان در برابر صندوق بازنشستگی فولاد در استان‌های خود تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار برآورده شدن مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند.

کشاورزان و دامداران**۲ مرداد**

کشاورزان بخش شعیبه شوشتر، در اعتراض به عدم پرداخت خسارت ناشی از خشکسالی برای کشت گندم آبی توسط بیمه، در مقابل ساختمان مدیریت بانک کشاورزی استان خوزستان واقع در اهواز، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۵ مرداد

دامداران یزد در اعتراض به کمبود و گرانی نهاده‌های دامی و هزینه‌های بالای خوراک دام و قیمت پایین شیر و گوشت مقابل استانداری این شهر دست به اعتراض زدند.

۱۱ مرداد

برای چندمین بار کشاورزان اصفهان در اعتراض به انتقال پساب به نقاط دیگر، در برابر اداره آب منطقه‌ای اصفهان تجمع کردند.

۱۳ مرداد

دامداران شهر ایذه در اعتراض به پایین بودن قیمت شیر در برابر فرمانداری این شهر تجمع کردند. دامداران معترض می‌گویند: «به دلیل قیمت پایین شیر مجبور هستیم گاوهای شیری و آبستن خود را به کشتارگاه بفرستیم».

۱۶ مرداد

مردم و کشاورزان شهرستان میانه در اعتراض به انتقال آب روستای سفیدخانی به مناطق دیگر و بی‌آبی این روستا دست

اسکان موقت در مرزها، بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

۸ مرداد

در ادامه اعتصاب کامیون‌داران در چند شهر، کامیون‌داران مشهد نیز دست به اعتصاب زدند.

۱۰ مرداد

کارگران و کارکنان سیمان سپاهان در پی انجام نشدن وعده‌های مدیریت شرکت و مدیران شهرستان مبارکه دست به اعتصاب زدند.

۱۲ مرداد

کارگران پیمانکاری فولاد مبارکه اصفهان در اعتراض به پایین بودن حقوق، تبعیض شدید بین کارگران رسمی و غیررسمی، عدم برخورداری از بیمه اجتماعی و خدمات درمانی و محرومیت از دیگر مزایای شغلی با ترک محل کار خود در برابر ساختمان مرکزی فولاد مبارکه اعتصاب و تجمع کردند.

۱۳ مرداد

کامیون‌داران در اعتراض به گرانی روغن و لاستیک و همچنین خرابی اوضاع کسب و کار و نبود بار از ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۸:۰۰ مسیر بندرعباس به سیرجان را بستند. کامیون‌داران ترانزیت پایانه مرزی میرجاوه نیز دومین روز اعتصاب خود را در اعتراض به باسکول کردن خودروها که چندین روز طول می‌کشد و در این مدت هیچ‌گونه سیستم خدمات‌دهی وجود ندارد، پشت سر گذاشتند. در این باره اتحادیه رانندگان خودروهای سنگین اعلام داشت که در صورت ادامه وضعیت گرانی روغن و لاستیک و همچنین مشکلات بار، اقدام به اعتصاب سراسری خواهند نمود.

۱۴ مرداد

کانون صنفی معلمان در مخالفت با تصویب طرح موسوم به «صیانت از کاربران در فضای مجازی» بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... تجربه چهار دهه گذشته نشان داده که ممنوعیت و بگیر و ببند به ویژه برای آن چه با زندگی و معیشت بخش وسیعی از مردم گره خورده، جز تضعیف مقبولیت و مشروعیت حاکمان، بی‌اعتباری قانون و قانون‌گذار، عرف و عادت شدن زیر پا گذاشتن قانون برای شهروندان عادی، افزایش و انباشت نارضایتی‌های در حد انفجار کنونی، عمیق‌تر شدن شکاف ایجاد شده میان حکومت با مردم، ... حاصلی ندارد»

۱۶ مرداد

کارگران کارخانه سیمان سپاهان اصفهان در اعتراض به پایین بودن حقوق دست از کار کشیدند و در برابر فلکه ورودی کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۷ مرداد

به اعتراض زدند. تعداد زیادی از مردم و کشاورزان با پارک خودروها و تراکتورهایشان در کنار جاده ورودی شهر میانه دست به تجمع زدند.

۱۹ مرداد

نخل‌داران استان خوزستان در اعتراض به کم‌آبی و از بین رفتن نخلستان‌هایشان جلو استانداری خوزستان در اهواز دست به تجمع زدند. نخل‌داران به سیاست‌های قیمت‌گذاری و ورود دلالان خرما و آنچه خسارات جبران‌ناشدنی می‌دانند، اعتراض دارند. آنان وارد سازمان جهاد کشاورزی خوزستان شده و از مسئولان خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

۲۴ مرداد

کشاورزان اصفهانی با خواست رها سازی مجدد آب زاینده‌رود در برابر ساختمان استانداری اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۹ مرداد

جمعی از کشاورزان پارس‌آباد مغان در استان اردبیل در اعتراض به کاهش جریان آب در کانال‌ها و نرسیدن آن به زمین‌های کشاورزی در برابر فرمانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران دیگر

۵ مرداد

کارگران بیکار شده شرکت لوله‌سازی خوزستان در اعتراض به بیکاری و وضعیت بد معیشتی جلو استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند.

۶ مرداد

کارگران راه آهن ورامین، لرستان، زاگرس، خراسان، متروی تهران دست به اعتصاب زدند. آنها می‌گویند: «اگر حقوق کارگران واریز نشود جلو حرکت قطارها را خواهیم گرفت، ما خسته نمی‌شویم»

کارگران هپکو در بیانیه‌ای اعتراض خود را نسبت به واردات ماشین‌آلاتی که توان تولیدش در ایران هست اعلام داشتند. وارداتی که منجر به نابودی چرخ تولید در ایران می‌شود.

۷ مرداد

رانندگان اتوبوس‌های درون شهری شیراز (اتوبوسرانی) برای دومین بار در این ماه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات عقب‌افتاده و مشکلات معیشتی دست به اعتصاب زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات و پرداخت مطالباتشان شدند. کامیون‌داران غرب کشور در اعتراض به مشکلات صنفی کامیون‌داران و بخصوص آنانی که در خارج از مرزهای ایران فعالیت می‌کنند، به دلیل نبود امکانات صنفی و مشکلات

کارکنان سازمان آتش‌نشانی ساوه، به منظور پیگیری مطالبات عقب‌افتاده خود در داخل ساختمان شورای این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. آنها در دیدار با رئیس شورای شهر ساوه، خواستار رسیدگی مسئولان به مطالبات صنفی و حقوقی و برطرف شدن مشکلاتشان شدند.

رانندگان اتوبوسهای شهری ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات و وعده‌های توخالی مسئولان، هفتمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند.

۲۳ مرداد

آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت استخدامی خود جلو مجلس سومین روز تجمع خود را پشت سر گذاشتند. معترضان که بیشتر آنان را آموزشیاران زن تشکیل می‌دادند خواهان استخدام رسمی در وزارت آموزش و پرورش هستند.

کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان در بیانیه‌ای از کارگران مهاجر ساختمانی دفاع کرد. در این بیانیه آمده است: «... مطمئناً هیچ کارگری خواهان دور شدن و دور ماندن از خانواده خود نیست اما بنا به شرایط سختی که در این دنیای سرمایه داری که با تمام توان در جهت استثمار هرچه بیشتر نیروی کار می‌کوشد، کارگران مجبورند برای فروش نیروی کار خود مهاجرت کنند. کانون انجمن‌های کارگران ساختمانی معتقد است که باید از تمامی کارگران با تمام توان حمایت کرد همچنان که این کانون در چند سال گذشته پیگیر مشکلات کارگرانی است که در کردستان عراق مشغول به کار هستند.»

۲۴ مرداد

رانندگان کامیون در اردبیل در اعتراض به نرخ پایین کرایه‌ها و گرانی قیمت لوازم یدکی دست به اعتصاب زدند و از بارگیری خودداری کردند.

۲۵ مرداد

کارگران شرکت پازن واقع در نسیم شهر تهران، در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حق بیمه و دستمزد در برابر این مجتمع صنعتی دست به تجمع زدند.

اعتراضات مردمی

۱ مرداد

ادامه تظاهرات مردم خوزستان موجی از همبستگی در شهرهای مختلف ایران را به همراه داشته است. اقشار مختلف مردم در شهرهای مختلف مانند تهران، کرج، یزدان شهر اصفهان، الیگودرز، شاهین شهر و... تجمعات اعتراضی در حمایت از مردم خوزستان برگزار نمودند.

در نهمین شب اعتراضات مردم خوزستان، در شهرهای رباط کریم و میبد مردم برای حمایت از مردم خوزستان تجمع

کردند.

۲ مرداد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای در حمایت از مردم معترض به بی‌آبی در خوزستان اعلام داشت: «حمایت‌های شهرهای مختلف کشور و حمایت‌های کارگران و تشکلهای مستقل کارگری و اقشار مختلف جامعه از جمله معلمان و بازنشستگان و هنرمندان و نهاد های مختلف مستقل مدنی از اعتراضات مردم خوزستان خود نشان از گسترده بودن نارضایتی‌ها از عملکرد حاکمیت دارد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از مردم معترض به بی‌آبی در خوزستان اعلام می‌دارد کشتار، سرکوب و بازداشت مردم معترض باید متوقف گردد و تنها راه برون رفت از شرایط موجود را اتحاد و وحدت برای طبقه کارگر و زحمتکشان می‌داند. هرچقدر دامنه اتحاد در اعتراضات یکپارچه و متحدانه باشد با هزینه کمتری بر شرایط تاسف‌بار کنونی فائق خواهیم آمد»

تظاهرات مردم تبریز در حمایت از اعتراضات مردم خوزستان آغاز شد. نیروهای سرکوبگر یگان ویژه ضد شورش برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان به مقابله با آنها پرداختند. در تظاهرات مردم تبریز شعار می‌دادند: «آذربایجان بیدار است پشتیبان خوزستان است آذربایجان، اهواز □ اتحاد، اتحاد ایرانی باغیرت اتحاد اتحاد» آذربایجان عرب فارس اتحاد اتحاد.»

مردم معترض در شهرهای زنجان و مرند در حمایت از مردم تشنه لب خوزستان در خیابان‌ها تجمع کردند.

اعتراضات مردم خوزستان به بی‌آبی در شهرهای مختلف این استان ادامه دارد. مردم در شهرهای مختلف استان از جمله شوش، سوسنگرد، ایذه، دزفول، کوت عبدالله، ویس، ماهشهر، حمیدیه، چمران و در چندین منطقه اهواز بر علیه بی‌آبی تظاهرات کردند.

در دهمین شب اعتراضات مردم خوزستان به بی‌آبی در روز ۲ مرداد ۱۴۰۰، اعتراضات مردمی حداقل به ۱۶ استان کشور گسترش یافت. از جمله استان‌هایی که در برخی از شهرهای آنان مردم بپاخاسته‌اند عبارتند از: ۱- آذربایجان شرقی (تبریز) ۲- اردبیل (مشکین شهر) ۳- کردستان (سقز) ۴- خراسان رضوی (مشهد و بجنورد) ۵- قزوین ۶- یزد (میبد) ۷- چهارمحال و بختیاری (لردگان) ۸- اصفهان (فولاد شهر- یزدانشهر و شاهین شهر) ۹- بوشهر (گناوه و برازجان) ۱۰- آذربایجان غربی (نقده) ۱۱- لرستان (ازنا و الیگودرز) ۱۲- کرمانشاه ۱۳- زنجان ۱۴- کرج (مترو گلشهر) ۱۵- تهران (مترو فلکه صادقیه- شهرک غرب- رباط کریم) ۱۶- خوزستان

گروهی از جوانان و مردم تهران در حمایت از قیام خوزستان و اعتراض به وضعیت موجود تظاهرات کردند. تظاهرات مردم تهران در خیابان جمهوری و جلوی پاساژ علالدین شروع و به سمت چهارراه استامبول ادامه یافت.

۴ مرداد

جوانان معترض فردیس کرج در همبستگی با اعتراضات مردم خوزستان شعار می‌دادند: «از کرج تا خوزستان اتحاد اتحاد». در دوازدهمین روز از شروع اعتراضات خوزستان مردم کرمانشاه نیز با آتش زدن لاستیک در ورودی این شهر به حمایت از خوزستان برخاستند. مردم آبدانان در استان ایلام، در اعتراض به قطع مکرر برق در برابر اداره برق این شهر تجمع کردند.

۵ مرداد

ساکنان محله دره دریژ کرمانشاه برای دومین روز متوالی به نشانه اعتراض به نبود آب و برق به خیابان آمدند. ساکنان معترض با بستن خیابان‌های منتهی به این محله حاشیه‌نشین و فقیر دست به اعتراض زدند. مردم تهران پارس در اعتراض به قطعی برق و در ادامه تظاهرات دیروز مردم تهران، کرج و سایر نقاط امشب به خیابان‌ها آمدند. جوانان و مردم معترض شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای سر دادند.

مردم و جوانان معترض در شهر بهارستان استان اصفهان در اعتراض به قطعی برق و همبستگی با تظاهرات مردم در سایر شهرهای ایران به خیابان‌ها آمدند.

۷ مرداد

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای طرح تشدید سانسور در فضای مجازی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... آنچه در نظر مردم به جان آمده از فقر و تبعیض و غارت تغییر کرده فقط فربه تر شدن سرکوبگران و عمال سانسور و بلندتر شدن دیوار زندان‌ها است. گرچه نمی‌توان این سرکوب همه‌جانبه را از دید همگان پنهان کرد اما اگر با چنین طرح‌هایی مخالفت نشود همین اندازه از خبرسانی آزاد و مستقل که حاصل خون و رنج انسان‌های آزادی‌خواه است در دسترس نخواهد بود. کانون نویسندگان ایران با چنین طرح‌های سرکوب گرانه‌ای، به شدت مخالف است، دسترسی به اینترنت آزاد و نامحدود را حق همگان می‌داند و بر اساس منشور آزادی‌خواهی و سانسور ستیزی خود، خواهان برچیده شدن تمام اشکال سانسور است. کانون به مبارزه برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثنا، ادامه خواهد داد و در این راه همراهی همه‌ی مردم را طلب می‌کند.»

۸ مرداد

در پانزدهمین روز اعتراضات سراسری مردم ایران، مادران جانبازان آبان ۹۸ در حمایت از اعتراضات مردم خوزستان و بدنبال آن اعتراضات دیگر شهرهای ایران، در میدان آزادی تهران تجمع کردند. این مادران که پس از حضور در میدان آزادی، در متروی صادقیه حضور پیدا کرده بودند، توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

۹ مرداد

بار دیگر جوانان و مردم تهران در چهارراه انقلاب روبروی تئاتر شهر (پارک دانشجو) دست به تجمع اعتراضی زدند. جوانان و مردم معترض شعار می‌دادند: «هموطن، هموطن، حمایت حمایت»، «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر» «از خوزستان تا تهران، اتحاد اتحاد»

۱۰ مرداد

گروهی از مردم و جوانان معترض در مشهد طبق اعلام قبلی در مقابل پارک ملت مشهد تجمع کردند. این تجمع در همبستگی با قیام مردم خوزستان برگزار شد. نیروهای امنیتی در صحنه حاضر شدند و چند تن از جوانان را بازداشت کردند.

۱۳ مرداد

مردم اهواز در یک تجمع اعتراضی به گرانی قیمت میوه و مواد غذایی اعتراض کردند. آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «پشتیان دلالان کیست؟» «عمده اصلی گرانی، حمایت مسئولان از دلالان است».

۱۴ مرداد

اهالی روستاهای شهرستان هویزه در اعتراض به بی‌آبی جاده جفیر از توابع این شهرستان را بستند.

۱۹ مرداد

جمعی از شهروندان ساکن قصر شیرین با تجمع در فرمانداری این شهر، اعتراض خود را به قطعی‌های طولانی مدت و مکرر برق نشان دادند.

حبیب فدایی که یکی از فعالان مدنی در جوققان می‌باشد، با یورش نیروهای امنیتی به خانه‌اش دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. مردم جوققان در اعتراض به دستگیری او در ادامه اعتراضات خود، روبروی کلانتری شهر تجمع کردند. مردم معترض از دیوار کلانتری بالا رفته و خواهان آزادی حبیب فدایی و یکی دیگر از دستگیرشدگان به نام بهزاد فدایی شدند.

۲۰ مرداد

مردم منطقه ملکشاهی ایلام، در اعتراض به قطعی مکرر برق، در برابر اداره برق تجمع کردند. بدنبال همبستگی و پایداری مردم جوققان حبیب فدایی آزاد شد و به آغوش مردم حق طلب بازگشت. مبارزات کارگران در حالی با قدرت به پیش می‌رود که حاکمیت سرمایه داری اسلامی با یک‌دست شدن سه قوه و به جلوی صحنه آمدن اصولگرایان شمشیر از رو بسته است و تصمیم جدی و قطعی برای ادامه اجرای سیاست‌های خانمان برانداز نئولیبرالیستی دارد. حاکمیت سرمایه داری عقب نخواهد نشست اگر طبقه کارگر یکپارچه و متحد به تشکلات سراسری صنفی و سیاسی تحت رهبری حزب خود مسلح نشود. تنها راه برای پیروزی طبقه کارگر اتحاد و وحدت در تشکلات مستقل خود است و راهی جز این متصور نیست



یادداشت هفته

امپریالیسم آمریکا، عربده صلح خواهی و ۲۰ سال اشغال و جنایت در افغانستان

یکم: مضحک است وقتی آمریکا به دیگران درس صلح دوستی می‌دهد درحالیکه در طول عمر ۲۵۰ ساله اش فقط ۱۶ سال در جنگ نبوده، مابقی عمر نکبت بارش، یعنی ۲۳۴ سال را با جنگ، توطئه، خرابکاری، کودتا، غارت و چپاول کشورهای دیگر سپری کرده است. از کشتار سرخپوستها بگریز تا جنگ ویتنام، کامبوج، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن و صدها مداخله خونین در شیلی، بولیوی، اکوادور، برزیل، آرژانتین، هندوراس، ونزوئلا، السالوادور، نیکاراگوئه، کوبا، پرو، گواتمالا اندونزی، ایران..... اینها همه نمونه ای از ادعای صلح دوستی این خطرناکترین دشمن بشریت است.

دوم: این ابر قدرت جنایتکار در ۲۰ سال قبل، سپتامبر ۲۰۰۱ با نقض تمام قوانین بین المللی و با ترفند «حقوق بشر و دکنترین جنگ تمدن‌های راسیستی، ساموئل هانتینگتون» افغانستان را به اشغال خود درآورد، سرانجام با کشتار بیش از ۳۰۰ هزار نفر و تاراندن میلیون ها نفر از خانه و کاشانه شان، مفتضحانه مجبور به خروج از این کشور شد. امروز نوکران استعمار نوین و عوامل صهیونیسم در ایران نظیر پیروان حزب اسرائیلی منصور حکمت که برای تجاوز نظامی به افغانستان پایکوبی و هلهله کردند، نه تنها پاسخگوی اعمال خیانتکارانه خود نیستند بلکه از ارباب خود گله‌مندند که چرا دودمه دیگر به اشغال و کشتار خود ادامه نداد تا «جامعه مدنی و سکولاریسم و حقوق زنان و آزادی

پوشش» را تضمین نماید!!! امروز رهبر این کوتوله های سیاسی، منصور حکمت، «ژوبین رازانی» که «مجسمه اش در گورستان هایگیت لندن» بریک سه پایه چوبین بعنوان زیارتگاه این تکه پاره های عجب و جق قرار دارد، در قید حیات نیست تا ناظر بر تحقق «مداخله بشردوستانه» و آزادی زن در افغانستان توسط آمریکا و ناتو باشد!!!

سوم: اپوزیسیون خود فروخته ای که خواهان «رژیم چنج» تغییر رژیم جمهوری اسلامی از بالا توسط امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی و وهابیهستهای عربستانی در ایران هستند نگاهی بیاندازند به وضعیت مصیبت بار مردم افغانستان، حضور نظامی بیست ساله آمریکا و پیمان جنگ افروز ناتو و به قدرت رسیدن مجدد گروه طالبان در این کشور! ۲۰ سال کشتار و ویرانی، دو تریلیون دلار هزینه نظامی، انواع و اقسام آزمایشات سلاح ضد بشری شیمایی در روستاهای افغانستان.... سرانجام پرتاب کشور به نقطه آغاز! درس آموزی صحیح و جمع بندی از علل اشغال افغانستان و نتایج مترتب بر آن و سایر ممالک مشابه و شناخت علمی از ماهیت امپریالیسم و حل صحیح تضادهای اجتماعی در عرصه ملی و بین المللی، بررسی نقش سازمان های مدعی م ل در طول ۲۰ سال اشغال این کشور و علل فقدان بدیل مردمی..... مهمترین وظیفه نیروهای انقلابی افغانستان بخصوص مارکسیست لنینیستها و همه کمونیستها در منطقه و جهان است. مرگ بر امپریالیسم آمریکا، عمده ترین دشمن بشریت، بزرگ ترین تروریست دولتی جهان، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر! زنده باد حق تعیین سرنوشت خلقهای جهان بدست توانای خودشان!

زنده باد همبستگی میان خلق های ایران و افغانستان و منطقه!



نتایج حملات تجاوزکارانه آمریکا و ناتو پس از حمله تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱

سال‌هاست که کانال‌های ماهواره ای و رسانه های وابسته به دلارهای آمریکایی، اسرائیلی و عربستانی و غیره، یکطرفه و جانبدارانه از «جنایات» کشورهای که در خط آمریکا و اتحادیه اروپا نبوده و تسلیم هم نمی‌شوند، یکریز سخن پراکنی و تبلیغات می‌کنند.

چین، مسلمانان «اویغور» رایبچاره کرد، روسیه، پدر «چچن ها» را درآورد، «اسد» در سوریه از سلاح شیمیایی استفاده کرد، «صدام حسین» سلاح کشتار جمعی داشت، ونزوئلا به فقر و فلاکت افتاد، کوبا گدایی می‌کند، مردم کره شمالی هم علف می‌خورند و رژیم اسلامی ایران، اگرچه فعلا بمب اتمی ندارد ولی اگر داشته باشد میدانی چه می‌شود؟! والا آخر!

اما وقتی از جنایات امپریالیستهای غربی، به ریاست آمریکا در شمال آفریقا و خاورمیانه اکثر مسلمان، از کشتار مردم فلسطین و تصاحب عدوانی سرزمین هایشان توسط صیہونیستهای اسرائیلی، از بمباران هفت ساله عربستان و امارات علیه مردم فقیر یمن، از جنایات و تجاوزات امپریالیسم فرانسه در آفریقا، از استعمار و وحشیانه و غارتگرانه دوران ابرقدرتی و کنونی انگلیس در جهان و از سلاح های کشتار جمعی و ۱۴۰۰ کلاهک های هسته ای آمریکا و حداقل ۲۰۰ بمب هسته ای اسرائیلی ها، از شکنجه گاه‌های مخوف سازمان «سیا» و «موساد» صحبت به میان می‌آید، همگی کر و کور و لال می‌شوند.

موسسه «واتسون دانشگاه براون» در آمریکا، طی گزارشی در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۰ پی‌آمد و هزینه های جنگ آمریکا و متحدین

غربی اش را برآورد کرده است.

براساس این گزارش، آمریکا و «ناتو»، پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هشت جنگ تجاوزکارانه علیه کشورها، خصوصا کشورهای خاورمیانه ای براه انداختند که به آواره گی بیش از ۳۷ میلیون انسان منجر شد. بنابر گزارش موسسه واتسون دانشگاه براون، «اگرچه این ۳۷ میلیون نفر آواره، یک برآورد محافظه کارانه است، اما به نظر می‌رسد که آمار واقعی بین ۴۸ تا ۵۵ میلیون نفر رسیده باشد».

این تعداد آواره گان، از کشورهای افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن، سومالی، سودان و پاکستان بی‌خان و مان شدند. دلایل بی‌خانمانی اینهمه انسان از کشورهای فوق، حملات ارتش های کشورهای متجاوز و سلطه گر، بمباران های هوایی با جنگنده ها و پهپادها و درگیری های مسلحانه بود که سبب خرابی شهرها، خانه های مسکونی و متعاقب آن نابودی مزارع، باغات و از بین رفتن مشاغل و کسب و کارها بوده که باعث عدم توانایی مردم در تامین مواد غذایی، آب، آموزش و امکانات پزشکی گردیده است.

علاوه بر آواره گی و فرار میلیونی انسانها از جهنم بوجود آورده شده توسط جنگ افروزان جنایتکار بین‌المللی، کشته و زخمی شدن دهها میلیون انسان بیگناه، هزینه بیش از دو تریلیون دلار فقط در افغانستان از جیب مالیات دهندگان آمریکایی و اروپایی، از هم پاشیدگی شهرها، اجتماعات و کل جوامع را هم باید در نظر گرفت که گسترش فقر، بیماری، گرسنگی، سوء تغذیه، ویرانی سیستم درمانی و آموزشی رادری داشته است.

اینجاست که باید از «خیام» مدد گرفت:

«توخون کسان خوری و ماخون رزان

انصاف بده، کدام خون خوار تریم؟»

زمین و ولادیمیر پوتین قرارداد همکاری دوستانه ای را امضا کرده بودند که سنگ بنای مناسبات بین دو کشور را تضمین می کرد. واشنگتن اتحاد نوظهور بین چین و روسیه را به عنوان تهدیدی برای منافع ایالات متحده در آسیا تعبیر می کرد، در حالی که ایالات متحده سعی داشت پیش از دیگران خلاء حاصل از «فروپاشی شوروی» در آسیای مرکزی را اشغال کند. پنتاگون طی گزارشی به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۱ هشدار می داد که: «امکان ظهور یک رقیب نظامی با منابع فوق العاده در آسیای مرکزی وجود دارد»

هدف واقعی در اوت ۲۰۰۳ آشکار شد، ناتو به فرماندهی ایالات متحده آمریکا به سرعت فرماندهی آیساف (ISAF) نیروهای بین المللی کمک به امنیت را به دست گرفت که در دسامبر ۲۰۰۱ سازمان ملل متحد آن را به وجود آورده بود. در حالی که در آن دوران آمریکا اجازه چنین کاری را نداشت. از این پس بیش از ۵۰ کشور عضو و همکار ناتو به فرماندهی ایالات متحده آمریکا در جنگ افغانستان شرکت کردند.

نتایج سیاسی و نظامی این جنگی که رودی از خون را جاری کرد و منابع عظیمی را به زیان آتش سپرد فاجعه بار است: صدها هزار قربانی غیر نظامی طی عملیات های نظامی، تعداد «قربانیان غیر مستقیم» در اثر فقر و بیماری های ناشی از جنگ که خیلی بیشتر و غیر قابل محاسبه است. بر اساس پرونده های نیویورک تایمز ایالات متحده آمریکا به تنهایی ۲۵۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده است. ایالات متحده آمریکا تقریباً ۹۰ میلیارد دلار برای ارتش پوشالی دولت کابل خرج کرد. تقریباً ۵۵ میلیارد دلار که به بازسازی کشور اختصاص داشت به دلیل بزهکاری و بی حاصل بودن آن از بین رفت. بیش از ۱۰ میلیارد دلار برای مبارزه با مواد مخدر به افزایش چهار برابری برای کشت تریاک انجامید، به گونه ای که امروز افغانستان ۸۰٪ تریاک غیر قانونی در سطح جهان را تولید می کند.

نشان بارز این وضعیت فرار اشرف غنی رئیس جمهور کنونی افغانستان به تبعید طلانی است. او در دانشگاه آمریکایی بیروت تحصیل کرد، سپس در دانشگاه های کلمبیا، برکلی و جان هاپکینز در ایالات متحده ادامه داد. سپس در بانک جهانی در واشنگتن مشغول به کار شد. در سال ۲۰۰۴، در مقام وزیر امور مالی از کشورهای «کمک کننده» از جمله ایتالیا بسته ای از خدمات به ارزش ۲۷،۵ میلیارد دلار دریافت کرد. در سال ۲۰۱۴ در کشوری که از سوی ایالات متحده و کشورهای ناتو اشغال شده بود، با ۵۵٪ آرای رسمی به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. در سال ۲۰۱۵ رئیس جمهور ایتالیا سرجو ماتارلا به همراه وزیر دفاعش پینوتی که پیش از این به کابل رفته بود از او با تمام تشریفات و احترامات در کاخ کیرینال استقبال به عمل آوردند.

این تجربه فاجعه بار به تجربه های دیگر ایتالیا اضافه شد، تجربه هایی با نقض قانونی اساسی خودش، یعنی شرکت در جنگ های ناتو در بالکان، خاورمیانه و آفریقای شمالی. ولی نیروی سیاسی که در پارلمان نشسته است هیچ درسی از این تجربیات نیاموختند.

d'il 20 août 2021 Édition de vendredi
manifesto
<https://ilmanifesto.it/nessuna-lezione-dalla-catastrofe-afghana>



از فاجعه افغانستان هیچ درسی نیاموختند

مطلبی را که می خوانید از «مانلیو دینوچی». و ترجمه حمید محوی، نویسنده و عضو گاهنامه هنر است. توفان الکترونیکی بخاطر اهمیت خروج و شکست امپریالیسم آمریکا و ناتواز افغانستان تلخیصی از این مقاله را برای تنویر افکار و پرتوافکندن بر واقعیات جاری منتشر می کنیم:

رئیس جمهور جو بایدن در سخنرانی ۱۶ اوت در کاخ سفید به اختصار اعلام کرد که: «هدف مأموریت ما در افغانستان هرگز نه ایجاد یک ملت بود و نه ایجاد دموکراسی متحد و تمرکز یافته». چنین سخنی از زبان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به معنای سنگ قبری بود که بر مزار روایت رسمی نهاده می شد که طی بیست سال «مأموریت در افغانستان» را پارکابی می کرد، و ایتالیا (و فرانسه) نیز برای آن با جان سربازانشان و میلیاردها دلار از صندوق پول مردم کشورشان هزینه کرده اند. در ادامه او می گوید: «امروز یگانه منفعت حیاتی و ملی ما در افغانستان همان چیزی است که در گذشته بوده، پیشگیری از حمله تروریستی علیه میهن آمریکائی ما».

ولی روی سخنان او واشنگتن پست برای دور کردن اسکلت تیرهایی که طی بیست سال منتشر کرده سایه ای از کتمان می اندازد و می نویسد: «رؤسای جمهور ایالات متحده و فرماندهان نظامی عمداً مردم را در مورد طولانی ترین جنگ آمریکائی در افغانستان طی دو دهه گول زدند».

ایالات متحده آمریکا به همراهی بریتانیا به بهانه شکار اسامه بن لادن متهم در حمله ۱۱ سپتامبر که به عنوان مجوز برای حمله و اشغال افغانستان استفاده کردند (که روایت رسمی واقعه از هر سو دچار ریزش می شد) از اکتبر ۲۰۰۱ مردم را عمداً فریب دادند.

هدف از جنگ اشغال سرزمینی بود که از دیدگاه ژئواستراتژیک از اهمیت درجه اول برخوردار است که با سه جمهوری آسیای مرکزی شوروی سابق (ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان)، ایران، پاکستان و چین (منطقه خودمختار سین جیانگ ایغور) مرز مشترک دارد. در این دوران نشانه های برجسته ای از نزدیکی بین چین و روسیه وجود داشت در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۱ رؤسای جمهور چین و روسیه، جیانگ



به مناسبت شصت و هشتمین سالگرد کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران

همانگونه که سرمایه داری و سخن پراکنان رنگارنگش در مطبوعات و کانال‌های ماهواره ای، وقایع و رویدادهایی را که به نفع خود ببینند، صدها بار در رسانه هایشان تکرار می کنند، کمونیستها و نیروهای انقلابی و میهن دوست هم باید، علیرغم امکانات بسیار کم، صدها بلکه هزاران بار، از وقایعی نظیر کودتای ۲۸ مرداد و ابعاد فاجعه بار آن بنویسند، سخن بگویند و بانیان چنین جنایت و خیانتی را افشا نمایند.

«ز آشیانه خونین همیشه می خوانیم
که تا سپیده زند سر ز آشیانه ما.»

ایران در سال ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰، اوایل رژیم شاه، حدود سی میلیون تن نفت تولید کرد و در ازای هر بشکه نفت فقط ۸ سنت دریافت میکرد. در همان زمان عربستان بشکه ای ۵۶ سنت و عراق بشکه ای ۶۰ سنت حق امتیاز می گرفتند.

اعتراضات ملت ایران وقایع را طوری رقم زد که منجر به قیام سی تیر شد و «محمد مصدق» رهبری نهضت ملی کردن نفت را عهده دار شد.

ملی شدن صنعت نفت چشم امپریالیسم انگلستان را برانگیخت. چون به تنهایی، بدلیل افول ابر قدرتی اش، قادر به سرنگون کردن حکومت ملی مصدق نبود، دست به دامن امپریالیسم



«مایکل مور»، فیلمساز معروف آمریکا در مورد شکست قوای متجاوز آمریکا در افغانستان

کابل، سایگون.
باردیگر، شکست
آمریکا در جنگ دیگری شکست می خورد
طولانی ترین جنگ ما
ما شماره ۱ هستیم

«ما بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه کردیم. ما برای حمله به کشوری که بن لادن هرگز در هیچ کجای آن یافت نشد، بیش از ۲۳۰۰ جان سرباز آمریکایی را قربانی کردیم. بوش گفت: علاقه ای به دستگیری او ندارد. تیم اوپاما او را در خانه ای در نزدیکی «وست پوینت» پاکستان پیدا کردند. کی حدس می زد! ما مهاجمان هستیم؛ طالبان مهاجم نیستند - آنها افغان هستند - این کشور آنهاست! آنها افراط گرای مذهبی هستند، ما میدانیم از چه قماش هستند، خودمان هم از اینگونه داریم. چه آشفتگی غم انگیزی. کمک مالی به پنتاگون و مجتمع نظامی - صنعتی، بازپرداخت NSA تأمین هزینه امنیت داخلی. آنها نیروهای جوان ما را به قتل رساندند. شرمنده! ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیمای ۱۱ سپتامبر از عربستان سعودی بودند! نه افغانستان، نه عراق، نه ایران. چطور شد که بوش به سعودی ها حمله نکرد؟ اره درست. خودمان حدس میزنیم. یکبار دیگر، ما از ارتشی بدون هواپیمای بمب افکن، ناوشکن، موشک، هلیکوپتر، ناپالم شکست خورده ایم و آنها از تعدادی آدم‌های ساده و وانت سوار. ما از زمان جنگ جهانی دوم در هیچ جنگ واقعی پیروز نشده ایم. ۷۶ سال پیش در چنین روزی (امروز روز VI - روز پیروزی بر ژاپن است. ۱۵ آگوست ۱۹۴۵). (متشکرم عمو لورنی که جان خود را فدا کردید). امروز، ۷۶ سال بعد، روزی است که ایالات متحده در جنگ افغانستان شکست خورد. خدا به سربازان ما برکت دهد. باشد که سربازان ما را ببخشند. تسلیت و محبت فراوان به همه خانواده هایی که عزیزان خود را در این جنگ نفرت انگیز غم انگیز از دست دادند.»

سخنی درباره شعار مرگ

بردیکتاتور

این روزها که پایه های نظام جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران در اثر اعتراضات گسترده مردم عاصی میهن ما به لرزه افتاده است ، رژیم ، کمافی السابق ، سیاست سرکوب و کشتار و دستگیری معترضین را در دستور کار قرار داده و ابلهانه فکری کند تنها راه برون رفت از سقوط ، سرکوب خشن است .

در اعتراضات غرور آفرین اقشار و طبقات زحمتکش مردم علیه بیداد و ستمگری رژیم اسلامی ، شعارهای گوناگونی شنیده می شوند که بهترین و جامع ترین شان «مرگ بر جمهوری اسلامی» است . اگرچه در اعلامیه ها و تراکتهای تبلیغی ترویجی باید واژه سرمایه داری و سرنگونی بدست مردم را بر آن افزود تا با این امر صف خود را از نیروهای وابسته به امپریالیسم جدا کرد .

در این کارزار حق طلبی ها ، شعار «مرگ بر خامنه ای و مرگ بردیکتاتور» هم به گوش میرسد . این شعار که فقط دیکتاتور و شخص خامنه ای را هدف قرار میدهد و نه تمامیت نظام سرمایه داری را ، از سوی «جماعتی» مطرح میشود که در زمان رژیم شاه شعار «جبهه واحد ضد دیکتاتوری شاه» را تبلیغ می کردند . در آن زمان این یک شعار انحرافی بود که مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه را منحرف و صرفاً علیه دیکتاتوری شاه می کشاند .

این جریان سیاسی رویزیونیستی ، آنموقع و همچنین این موقع ، فقط با دیکتاتور «مخالف» بودند و هستند . چرا ؟ برای اینکه سالیانست که در حرف «سوسیالیست» اند و در عمل ، به بهانه های رنگارنگ ، از انقلاب کارگری و سوسیالیسم فاصله گرفته اند .

آنها به دنبال همکاری با جناح «دورانیش» هیئت حاکمه هستند تا شاید پس از مرگ دیکتاتور ، از این نمذ کلاهی هم برای خویش بدوزند ! چقدر آدم باید حقیر بیندیشد که در پی «کلاهی» از رژیم شاه و جمهوری اسلامی باشد . و شوربختانه دیدیم که در هر دور رژیم نه تنها کلاهی نصیب شان نشد ، بلکه سرشان هم به باد رفت . در این راستا ، به نظر میرسد بخشی از هیئت حاکمه هم چندان از شعار مرگ بردیکتاتور بدش نیاید . چون اگر قرار باشد خشم و عصبانیت مردم فقط با مرگ خامنه ای التیام یابد و حتی فروکش کند ، چه بهتر ! چون به هر حال «ولی فقیه» مانند سلف خود ، بزودی به «ملکوت اعلا» خواهد پیوست و این جماعت در فضای «آرام» بوجود آمده میتواند نفسی تازه کرده و به غارت اش ادامه دهد .

ضروریست بدانیم ، گرچه شخص خامنه ای و اذناش ، باعث وبانی تمامی این تیره روزی ها بودند و هستند ، اما نباید کلیت جمهوری سرمایه داری اسلامی را از یاد ببریم . علاوه بر آن باید هشیار بود و توطئه های امپریالیستهای غربی و در راس آنها آمریکا و گماشته گان ریز و درشت خارج نشین و داخلی را هم نباید نادیده گرفت .

رمز پیروزی در مبارزه علیه رژیم سرمایه داری اسلامی فاسد و ستمگر و انواع دشمنان گانه و بیگانه ، سازماندهی در تشکیلات حزب واحد طبقه کارگر است . فقط در این صورت است که امید به پیروزی واقعی و نهایی می رود .

غیر نظامی» است . اما در مورد «استقرار دموکراسی» ، مردم افغانستان فقط با رژیم های دست نشاندۀ و فاسد روبرو بوده اند که اکثر رهبران آنها در برابر پیشروی طالبان فرار کردند . این جنگ های امپریالیستی هیچ ربطی به منافع خلق ها نداشت : جنگ در افغانستان «بوی غلیظ نفت» داشت ، تمایلی بود به تبدیل این کشور به سنگر منافع آمریکا و متحدانش در این منطقه استراتژیک آسیا . امپریالیستها از نظر نظامی و سیاسی شکست خوردند ، اما این اهداف را رها نخواستند کرد و نگران اقدامات دیگر قدرت های امپریالیستی - روسیه ، چین - قدرت های منطقه ای - ایران ، پاکستان ، هند که در حال مذاکره با طالبان هستند می باشند و سعی می کنند تا نفوذ آنها را محدود کنند .

ما مانند همه کسانی که این جنگها را محکوم کردند و ده ها میلیون نفر را در پایتخت بسیاری از کشورها به خیابان ها آوردند ، این جنگها را محکوم کردیم . ما شرکت امپریالیسم فرانسه در این جنگها را محکوم کردیم . ما فراموش نمی کنیم که این سارکوزی بود که همزمان با آغاز بازگشت فرانسه به تمام ارگانهای ناتو (۲۰۰۹) تصمیم گرفت نیروهای فرانسوی زیادی را به افغانستان بفرستد .

از سال ۲۰۱۲ ، همزمان با آغاز خروج نیروهای آمریکایی از سوی اوپاما ، دیگر نیروهای نظامی فرانسوی در افغانستان حضور نداشتند . ۲۰۱۲ همچنین شروع جنگ در کشور مالی ، با عملیات سروال ((serval در ۲۰۱۳ ، و پس از آن عملیات بارخان Barkhane در ۲۰۱۴ است . این ادامه همان سیاست ارتجاعی جنگ در زمینه متفاوت است .

امروز ، مکرون این کار را خودش انجام می دهد و بر ضرورت ادامه «جنگ علیه تروریسم» تاکید می ورزد . او به ویژه نگران «امواج غیر عادی» است که سعی خواهند کرد از افغانستان فرار کنند . او بر حمایتش از بایدن و آمریکا اصرار داشت زیرا بدون کمک آمریکا ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر که «برای فرانسه» کار می کردند نمی توانند تخلیه شوند .

ما برخواست خود مبنی بر خروج کامل نیروهای فرانسوی و برچیدن پایگاه های نظامی در مالی و ساحل تاکید می کنیم . ما همچنان دفاع خود از حق خلق ها برای تصمیم گیری در مورد آینده خویش ، بدون دخالت امپریالیستی ، ادامه خواهیم داد . ما به محکومیت سیاست «جنگ علیه تروریسم» ادامه می دهیم . حزب کمونیست کارگران فرانسه

پاریس ، ۱۷ اوت ۲۰۲۱



۷۶ سال از فاجعه بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی گذشت

۷۶ سال از فاجعه بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی گذشت. پرتاب بمب وحشتناک اتمی در شهرهای پُر جمعیت «هیروشیما» و «ناکازاکی» و قربانی کردن هزاران نفر مردم غیر نظامی عکس العمل منجرانه بورژوازی امپریالیستی آمریکا و انگلیس در مقابل پیروزی درخشان ارتش سرخ در نبرد تاریخی و آزادیبخش «استالینگراد» بود. جنایتکاران امپریالیست می خواهند چنین جنایات هولناکی را به عنوان آئینه تمام نمای تمدن بشری به خورد تاریخ دهند و ماهیت جنایتکارانه آن را پرده پوشی نمایند. در ۷۶ سال پیش در روزهای ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ امپریالیسم جنایتکار آمریکا بمب های اتمی خویش را، که قبلا در تاریخ ۲۶ ژوئیه در صحرای نیومکزیکو آماده و آزمایش کرده بود، برای زهرچشم گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لنینی و استالینی، برای سرکوب نهضت کارگری، برای ممانعت از اوج نهضت های آزادیبخش و سرانجام برای تأمین سرکردگی خویش در منطقه اقیانوس آرام به شهرهای «هیروشیما» و «ناکازاکی» پرتاب کرد که حدود دویست هزار نفر در عرض یک ثانیه جان دادند. میلیون ها خانه ویران شد و هزاران نفر آواره شدند و نسل ها در اثر تأثیرات اشعه رادیو آکتیو به انواع و اقسام بیماری ها دچار گشتند که پس از جنگ در بیمارستان های «حقوق بشر» آمریکائی به وضع آنها رسیدگی گردید تا نتایج تأثیرات انفجارات اتمی را بر روی بدن آنها آزمایش کنند و آمادگی ارتش آمریکا را برای مقابله با صدمات ناشی از بمب اتم مجهز گردانند. امپریالیسم آمریکا مانند امروز، که در مورد

عراق و سایر کشورها دروغ می گفت، در آن زمان نیز با ریاکاری در مورد لزوم پرتاب بمب های اتمی مدعی بود که پایان دادن هر چه زودتر به جنگ از قربانی شدن افراد بیش تر جلوگیری می کند و در واقع استفاده از بمب اتمی در خدمت نجات بشریت است. دُم خروس این استدلال امپریالیستی از یقه آنها بیرون زده است. اگر ساده لوحانه این شبه استدلال را بپذیریم، آنوقت این پرسش هنوز بی جواب می ماند که پرتاب بمب اتمی در «ناکازاکی» چه لزومی داشت. چرا پس از پرتاب بمب اتمی در «هیروشیما»، که نتایج غیر قابل تصورش برای هر نوع تسلیمی کفایت می کرد، منتظر عکس العمل حکومت ژاپن نشدند و با پرتاب بمب دوم هزاران نفر دیگر را نیز نابود ساختند. کجای این تناقض با خدمت به بشریت خوانائی دارد؟! این ابر جنایتکار وحشی امروز ممالک «نافرمان و شور» جهان را تحریم و به تجاوز و بمباران اتمی تهدید می کند. این سیاست استعماری و قلدرمنشانه نشانه بربریت سرمایه داری است و باید با بسیج توده های مردم با دورنمای سوسیالیسم به آن پاسخ گفت. تنها سوسیالیسم است که بشریت را از قید این همه ستمگری و جنایت نجات می دهد و سلاح های کشتار جمعی را به گورستان تاریخ می سپارد. ما باید خواهان نابودی همه سلاح های اتمی در جهان باشیم. باید در درجه اول خطرناک ترین دشمنان بشریت یعنی امپریالیست ها و صهیونیست ها را خلع سلاح کرد، تا خطر جنگ متفی گردد. این اقدام تنها با یک انقلاب اجتماعی ممکن است!

نابود باد امپریالیسم آمریکا، بزرگ ترین دشمن بشریت، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر، بزرگ ترین تروریسم دولتی جهان و خطر عمده برای صلح جهانی!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم رهایی بشریت!



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

تعریف انقلاب

انقلاب اجتماعی به معنی گسست کمی و کیفی از نظام حاکم و گذار - چه توام با مبارزه مسلحانه و چه در اثر قیام و خیزش عمومی - به نظام نوین است. حال این انقلاب و یا دگرگونی چه در گذار از نظام برده‌داری به «سرواژ» (فئودالیسم) رخ دهد، چه در گذار از جامعه فئودالی به سرمایه‌داری و چه از سرمایه‌داری به سوسیالیسم صورت پذیرد.

از این گذشته انقلاب در کشورهایی که تحت سلطه امپریالیسم قرار داشته و در آن حکومتی مستبد و وابسته به بیگانه، با سرکوب و استثمار خلق در خدمت به اربابان قرار دارند، نظیر ایران خودمان در دوران سلطنت پهلوی، بدون تردید ماهیت انقلاب آن ملی (ضد امپریالیسم) و دموکراتیک خواهد بود. اما «رهائی طبقه ستم کش نه فقط بدون انقلاب قهری، بلکه بدون

امحاء دستگاه قدرت دولتی که طبقه حاکم بوجود آورده محال است...» طبقه حاکم با قطب مقابل و مخالف خود آشتی‌پذیر نخواهد بود. طبقه کارگر که خود طبیعتاً یک نیروی بزرگ اقتصادی به شمار می‌آید می‌بایست ابزاری کارآمد جهت اعمال قدرت و مهار طبقه استثمارگر در اختیار داشته باشد تا بر مالکیت خصوصی نقطه پایان گذارد و با اجتماعی کردن ابزار تولید خود را از بند استثمار برهاند. این ابزار چیزی نیست جز یک دولت سوسیالیستی پرولتری.

از دیدگاه مارکس تنها دگرگونی انقلابی مد نظر نیست، بلکه پیشبرد و به سر منزل مقصود رساندن هدف است. اگر ماتریالیسم تاریخی پایه و ابزار تحلیل عناصر و نیروهائی که قصد رهبری مبارزات طبقه کارگر را دارند قرار نگیرد، انجام یک انقلاب پیروزمند کارگری غیرممکن است. باید نیروهای تحت سلطه، تحت ستم و تحت استثمار جامعه را شناخت، خواستگاه اجتماعی، مطالبات اجتماعی و اقتصادی آنها را شناخت و با تدوین و طرح آنها طبقه و یا طبقات تحت ستم و استثمار را به نبرد با دشمنان طبقاتی‌شان به میدان کشاند. به همان اندازه که چنین روندی در انقلاب بورژوازی علیه نیروهای فئودالی صادق است، در انقلاب سوسیالیستی و کمونیستی نیز علیه نظام سرمایه‌داری صدق می‌کند.

معتبرترین، علمی‌ترین و عملی‌ترین تئوری‌های انقلابی، اندیشه‌های ... مارکس - انگلس می‌باشند که بعدها در عمل و پراتیک انقلابی توسط لنین، استالین و مائو، با تکیه بر داده‌های معین در جوامعی چون روسیه و چین تکامل پیدا کرد و جامعه عمل پوشید.

تاکتیک‌های مناسب را در برنامه خود تنظیم نموده، شعارهای صحیح بسیج و تهیج‌کننده، که منعکس‌کننده خواست‌های طبقه کارگر و زحمتکشان باشد را تدوین و بدینوسیله انقلاب را به سمت پیروزی رهنمون سازد. بدون چنین حزبی، و به بیان دیگر بدون وجود «شرایط ذهنی» دولت سرمایه‌داری حاکم حتی در بحرانی‌ترین شرایط به خودی خود سرنگون نخواهد شد و فرو نخواهد پاشید. تنها با وجود چنین حزبی می‌توان در دوران «موقعیت انقلابی» که توده‌های ستمکش به پا می‌خیزند، جنبش انقلابی را به سر منزل مقصود رهنمون ساخت. جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تنها با مبارزهٔ مسالمت‌آمیز بر کنار نخواهد شد. نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها بر این باورند که بدون یک اعتصاب و یک خیزش عمومی انقلابی و در صورت لزوم یک مبارزهٔ قهرآمیز با شرکت توده‌های عظیم کارگر و زحمتکش (شرایط عینی انقلاب) انجام یک انقلاب و پیروزی کامل بر نظام متخاصم حاکم غیرممکن است. اما در صورت لزوم بنابر نظریهٔ لنین:

«قوة قهریه - بنا به گفتهٔ مارکس - برای هر جامعه‌ای کهنه‌ای که آستان جامعهٔ نوین است، به منزلهٔ ماماست...، قوه قهریه آنچنان سلاحی است که جنبش اجتماعی به وسیله آن راه خود را هموار می‌سازد...، بدون انقلاب قهری، تعویض دولت بورژوائی با دولت پرولتری محال است». (لنین، دولت و انقلاب)

گفتیم بدون وجود حزب طبقه کارگر، به مثابه ارگان متشکل و متحدکنندهٔ طبقه کارگر که قادر باشد برنامه‌ای دقیق، شامل تاکتیک، استراتژی، شعارها و اهداف طبقه کارگر را معین و مدون کرده و مبارزات پراکندهٔ کارگران را کانالیزه و رهبری کند ممکن نیست انقلاب به پیروزی برسد. بدون وجود حزب به مثابه ارگان رهبری‌کننده، طبقه کارگر قادر نخواهد بود به اهداف والای خود یعنی انجام انقلاب سوسیالیستی و رهایی این طبقه از چنگال استثمار و ستم، جامعه عمل پوشد. نجات طبقه کارگر و زحمتکشان تنها به دست خود او و رهبری حزبش امکان پذیر خواهد بود.

مبارزه با اعتقادات بی‌حزبی مبارزه با خط مشی رویزیونیستی، انقلابی‌گری خرده‌بورژوائی است که همواره نقش حزب طبقه کارگر را نفی کرده و نقش قهرمانان و روشنفکران مسلح را برحسته نموده و به جنبش کمونیستی صدمات فراوان زدند. این تفکر انحرافی امروز نیز برای تطهیر گذشته ضدحزبی خود با پرچم مبارزه با حزب به میدان می‌آید تا مجدداً اعتراضات طبقه کارگر را منحرف کند.

مارکس بر چاره‌ناپذیری ضرورت انقلاب تکیه می‌کرد. اصولاً انقلاب ناشی از تکامل نیروهای مولده (نیروی کار انسانی و وسائل تولید) جامعه است که در تضاد با روابط نظام سیاسی و مزدوری و اجتماعی حاکم پدید می‌آید. زمانی که در نظام سرمایه‌داری، تضاد میان طبقه کارگر و سرمایه‌دار آنچنان شدت می‌یابد که مانع رشد تولیدی می‌شود و بحران حاد می‌شود، دورهٔ انقلاب اجتماعی آغاز می‌شود.

زمانی که دیگر ادامهٔ حکومت برای یک نظام سرمایه‌داری، بدون انجام تغییرات اساسی امکان پذیر نباشد، بحران سرپای طبقه حاکم را فراگرفته و حتی باعث دو دستگی در آنها می‌شود. زمانی که طبقات تحت ستم و استثمار، به ویژه طبقه کارگر، روز بروز بیش‌تر با بیکاری، گرانی و فقر روبرو می‌شوند و تضاد میان فرودستان و هیئت حاکمه پیوسته شدت می‌یابد و بالاخره زمانی فرا رسد که «بالائی‌ها نتوانند حکومت کنند و پائینی‌ها نخواهند که بر آنها حکومت شود»، و «موقعیت انقلابی» به این مفهوم که تهیج عمومی پیش آمده و احساسات عمومی به هر دلیلی غلیان کرده و آب صبر مردم لبریز شده باشد، پدید می‌آید، دیگر طبقه کارگر حاضر نیست که تن به غارت بدهد و با اعتصاب و خیزش و حتی شورش آماده به انجام اعمال انقلابی می‌شود. در چنین شرایطی میان مردم و هیئت حاکمه هر روز بیش‌تر از روز قبل به لزوم استقرار آن چنان نظامی که منافع آنان را تامین کند پی‌می‌برند. تا جایی که توده‌های میلیونی قدم به عرصه نبرد سیاسی تعیین‌کننده علیه نظام حاکمه تا سطح قهرآمیز می‌گذارند.

شرایط کنونی کشور ما گرایش به این سمت دارد. رشد مبارزات حق‌طلبانه کارگران به ویژه کارگران هفت تپه، نفت، فولاد و... اعتصابات معلمان و اعتراضات بازنشستگان، تظاهرات دامنه‌دار در اعتراض به کم‌آبی در خوزستان و تظاهرات وسیع در سایر شهرها در پشتیبانی از مردم خوزستان با شعار مرگ بر خامنه‌ای و... حاکی از وجود نارضایتی عمیق و علائم مهمی از عدم رضایت مردم و سوء مدیریت و بی‌کفایتی بالائی‌ها در میهن ماست.

اما وجود «موقعیت انقلابی» و یا «شرایط عینی انقلاب برای انجام یک انقلاب سوسیالیستی به تنهایی کافی نیست». آنچه جامعه ما و جنبش کارگری و مبارزات اعتراضی کارگران برای به سرمنزل پیروزی رساندن انقلاب نیاز دارد، بوجود آوردن «شرایط ذهنی» یعنی حزب پیش‌تاز و رهبری‌کننده طبقه کارگر می‌باشد. نظام بحران زدهٔ سرمایه‌داری به خودی خود برنمی‌افند، بلکه نیروی لازم است تا مبارزات طبقه کارگر را رهبری و به سمت پیروزی رهنمون سازد. استراتژی و



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به یک پرسش

پرسش: دوستان محترم توفان، آمریکا و ناتو به یکباره دست به خروج خود از افغانستان زد، آیا بنظر شما بهتر نبود این عقب نشینی طوری می بود که قدرت بدست طالبان نمی افتاد و یک ائتلاف متری به قدرت می رسید؟ فکر نمی کنید این شیوه عقب نشینی یک توطئه سیاسی علیه مردم افغانستان باشد. امروز مردم افغانستان با طالبان چه باید بکنند؟

پاسخ: دوست عزیز، آمریکا برای نجات ملت افغانستان از دست نیروهای واپسگرا این کشور را اشغال نکرد و نباید فریب تبلیغات حقوق بشری آنها را خورد. بطور مختصر هدف حمله نظامی آمریکا و هم پیمانانشان، مبارزه علیه «تروریسم» نبود، برای حقوق دموکراتیک زنان و آزادی و دموکراسی نبود و نمی توانست باشد. هدف استراتژیک امپریالیسم آمریکا رقابت با روسیه، انتقال لوله های گاز از آسیای میانه از مسیر افغانستان به دریای عمان و به اروپا و دوم ایجاد و استقرار پایگاه نظامی قدرتمند در پشت مرزهای ایران، روسیه و چین بود که هر دو هدف به شکست انجامید.

باید پذیرفت در افغانستان قوی ترین قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان شکست استراتژیک خورده و فرار کرده است. فرار آمریکا را نمی شود با تئوری توطئه و استراتژی نوین وقوی تر شده این ابر قدرت توضیح داد. امپریالیسم آمریکا در افغانستان شکست خورد مانند «اشرف غنی» فرار کرده و این فرار غیر مترقبه، بدون سازماندهی و با سراسیمگی و وحشت همراه بوده است.

آمریکا به بهانه مبارزه با «تروریسم» روستاها را بمباران و بر سر مردم بیدفاع افغانستان سفر سفید ریخته بود، بیش از ۲۰۰ هزار نفر را سلاخی کرده بود، ۷ میلیون نفر را تاراند و سرانجام با فضاحت فلنگ رابسته حتا توانسته شهروندان خودش را از این مهلکه نجات دهد و افصحاح به بار آورده است.

اخیرا جویاییدن، رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه ای در رابطه با تحولات جاری با اشاره به خطر حملات تروریستی باردیگر بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تا پایان مهلت مقرر، در ۳۱ ماه

اوت سال جاری، تاکید کرده است. به گفته کارشناسان آمریکایی مخالفت آمریکا با طالبان برای تمدید مهلت خروج، تنها خطر را تشدید می کند. به ویژه پس از اینکه ویلیام برنز، رئیس سازمان سیا در دیدار محرمانه با رهبران طالبان نتوانست موافقت آنها برای تمدید مهلت خروج را به دست بیاورد. به گفته رابرت بائر افسر سابق سیا همه کارت ها در دست طالبان است. به گفته بائر «طالبان در موضع برتر قرار دارند و اگر آنها می گویند ما باید تا ۳۱ اوت خارج شویم باید همین کار را بکنیم. مگر اینکه بخواهیم دوباره به افغانستان حمله کنیم که من آن را بعید می دانم.»

سخنان جویاییدن برای خروج آمریکایی ها از افغانستان، سراسیمگی و ترس از مرگ و این هرج و مرج حاکم بر فضای افغانستان و عدم قبول طالبان برای تمدید مهلت حضور نیروهای خارجی... تا همین حد کافست تا به پذیریم این تحولات و شکست آمریکا و غرب در باتلاق افغانستان ساختگی نیست، زد و بند میان ارباب و نوکر نیست و یا یک پیروزی برای ارباب و تعویض زیرکانه نوکری با نوکر دیگر نیست! متأسفانه چنین درکی از اوضاع سیاسی افغانستان از پایه اشتباه، سطحی و آلوده به تئوری توطئه است که برجسم و روح این محافل چنگ انداخته و عجز و درماندگی آنها را به نمایش گذاشته است. نه دوست عزیز، این تحولات جدی است و شکست آمریکا نیز جدی است. ما بارها تحلیل کردیم که تجاوزات امپریالیستی باعث بروز مقاومت ملی در مقابل نیروهای خارجی می شود و اقشار و گروه های سیاسی با ماهیت وانگیزه های مختلف در برابر دشمنان خارجی بسیج می شوند. شکست آمریکا در افغانستان را باید در چهارچوب مقاومت و چنگ نامتقارن و فرسایشی شدن آن مورد تبیین قرارداد. برعکس تئوری پردازان توطئه «شکست آمریکا طراحی خود او بر علیه منافع و حیثیتش نبود». این شکست علیرغم میل این ابر قدرت بر او و ناتو توسط نیروی طالبان تحمیل شده است.

در ثانی آمریکا دست به اشغال افغانستان نزد تا در این کشور دموکراسی و آزادی و حقوق بشر مستقر گردد. بنابراین نمی توان از این نیروی متجاوز توقع آزادی و کرامت انسانی داشت. مردم افغانستان منهای یک قشر بسیار نازکی از مردم در شهرهای بزرگ، همه خواهان خروج فوری متجاوزین از خاک کشورشان بودند و هستند. نباید فریب چند مصاحبه نمایشی برخی از زنان دستچین شده افغانستان در رسانه های غربی را که از جامعه مدنی و آزادی حجاب و موسیقی... سخن می گویند را که برای مشروعیت بخشیدن به اشغال امپریالیستی و سیاستهای نواستعماری است، ملاک قضاوت در مورد شرایط عمومی افغانستان که بیش از ۷۰ درصد مردم در روستاها زندگی می کنند قرار دهیم. اشغال افغانستان نقض حقوق ملل و حقوق بشر است و متجاوزین می بایست فوراً خاک این کشور را ترک نمایند و ما امروز پس از ۲۰ سال شاهد این شکست و خروج این تبهکاران از این کشور هستیم.

در پاسخ به پرسش شما که مردم چه باید بکنند و تکلیفشان با طالبان چه خواهد بود باید عرض کنیم که مردم افغانستان راهی جز مبارزه مستقل از نیروهای امپریالیستی، راهی جز متشکل شدن، راهی جز اتحاد نیروهای انقلابی و ترقی خواه برای کسب حقوق دموکراتیک، حفظ استقلال و تمامیت ارضی افغانستان ندارند. تعیین و تکلیف با طالبان و یا هر نیروی ارتجاعی و واپسگرای سیاسی وظیفه داخلی مردم افغانستان است. موفق باشید

باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: آیا فقط شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کافیتست. مگر همه مردم ایران در دوران انقلاب نمی گفتند مرگ بر شاه و آیا اگر رژیم برود همه چیز درست خواهد شد؟ اما دیدیم بعد چه شد. شما چه پاسخی بدین سؤال دارید ، مردم با این وضعیت نابسامان و درهم و برهم، بحران کرونا، بحران اقتصادی و بیکاری و گرانی ... چه باید کرد؟. در مورد اتحاد نیروهای انقلابی و چپ چه فکر می کنید؟ آیا موافق اتحاد و همکاری هستید؟ ممنون از اینکه به سؤالاتم جواب می دهید. بااحترام، امضا محفوظ

پاسخ: دوست عزیز، تشکر از نامه و پرسش های مهم شما! ما هم با شما کاملاً موافقیم که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خود به خود منجر به استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نخواهد شد، حتا می تواند وضع را از این هم بدتر کند. ماهیت رهبری سیاسی یک انقلاب و هرتحول اجتماعی تعیین کننده است. انقلاب عظیم و مردمی بهمن ۵۷ به دلیل ماهیت ارتجاعی و عقب مانده نیروی رهبری کننده سیاسیش در نیمه راه متوقف گردید و شکست خورد، اگرچه ایران به استقلال سیاسی دست یافت، اما مردم به مطالبات دمکراتیک، آزادی احزاب و اجتماعات و عدالت اجتماعی دست نیافتند. امروز جمهوری سرمایه داری اسلامی سد راه تکامل جامعه ایران است و خواسته های دموکراتیک مردم از انقلاب مشروطه و بهمن هنوز متحقق نگردیده اند. این مطالبات فقط شامل جدائی دین از دولت و یا مسئله حجاب و حقوق مدنی نیست. انقلاب آتی مردم ایران علاوه بر پاسخ گوئی به آزادی بیان و احزاب و اجتماعات و برابری زن و مرد باید در جهت استقرار عدالت اجتماعی خیز بردارد. این مبارزه حتماً باید جهت گیری ضد سرمایه داری داشته باشد تا بتوان به نان، مسکن و کار که مهم ترین مطالبات معیشتی مردم هستند پاسخ گوید. از طرفی هر انقلاب مردمی و عدالتخواهانه ای در شرایط کنونی باید جهت گیری ضد امپریالیستی، ضد

صهیونیستی و ضد استعماری نیز داشته باشد و با اتکا به نیروی خود برای نظامی آزاد و دموکراتیک و شکوفان گام بردارد. به باور ما تمام نیروهایی که موافق سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هستند و از طرفی در مقابل امپریالیسم و نیروهای استعماری موضع روشن دارند می توانند در عرصه های متنوع دموکراتیک با یک دیگر همکاری کنند و در جهت تحقق خواسته های مردم و در نهایت یک آلترناتیو دموکراتیک مردمی گام بردارند. ولی چاره درد نهائی کارگران و زحمتکشان ایران این نیست که با استقرار یک حکومت دموکراتیک بورژوائی بتوان به مسئله اختلافات طبقاتی و بهره کشی فردا فرد که از مناسبات سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید بر می خیزد پاسخ داد. برای پاسخ به درد و رنج نهائی جامعه باید مناسبات سوسیالیستی را جایگزین مناسبات سرمایه داری کرد به عبارت دیگر دموکراسی سوسیالیستی را به جای دموکراسی بورژوائی نشانند و این چیزی جز استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای اکثریت جامعه معنا نمی دهد. برای تحقق چنین امری به حزب طبقه کارگر مسلح به ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی لازم است. چنین حزبی نمی تواند همانند یک جبهه پلورالیستی که متشکل از دستجات مختلف با منافع گوناگون است عمل کند. در این حزب جایی برای فراکسیون و عرض اندام کردن منش لیبرالی نیست، زیرا حزب طبقه کارگر با اراده واحد عمل می کند. استقلال طبقاتی حزب و پرچم لنینیسم هویت چنین حزبی است. تنها با چنین حزبی است که می توان با انقلاب سوسیالیستی به سوی استقرار جامعه سوسیالیستی، فاز نخست جامعه کمونیستی رهنمون شد. حزب ما در عین حال که برای خواسته های دموکراتیک می رزمند و به اتحاد عمل با نیروهای مستقل و دموکرات و میهن دوست و ضد امپریالیست باور دارند اما کمونیست های منفرد و یا اگر محافظی وجود دارند که ما از آنها بی خبریم را به دعوت برای وحدت در سنگر واحد حزب لنینی که علیه رویزیونیسم کهن و مدرن موضع روشن دارند، به انقلاب کبیر شوروی و سی سال ساختمان سوسیالیسم به رهبری رفیق استالین و دست آوردهای تاریخیاش باور دارند... فرامی خوانیم و تأکید کرده می کنیم که راه خروج از سردرگمی کنونی تکیه به لنینیسم است و فقط با برافراشتن این پرچم است که می توان تمامی مدعیان سوسیالیسم را مورد محک قرارداد، سره از ناسره را از هم تمیز داد و با مبارزهای شفاف و بی تزلزل و منطقی به عنوان پیشقراول طبقه کارگر به وظیفه تاریخی خود پاسخ گوید. ما در این راه سهمگین و پر سنگلاخ و پیچیده طبقاتی که دشمنان رنگارنگ کمونیسم و با پشتوانه مالی و معنوی جهان سرمایه داری و امپریالیستی کمین کرده اند و با پاشاندن تخم یأس و ناامیدی جولان می دهند، دست همه رفقای کمونیست و دلسوز را که به لنینیسم وفادارند می فشاریم و خواهان همکاری صمیمانه با آنها هستیم. به امید سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و سوسیالیسم در ایران، دستتان را به گرمی می فشاریم. پیروز باشید.



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						